

# طرح فرضی «ربع» و «شهرستان» رشیدی

آزیتا بلالی اسکویی

محمدعلی کی نژاد

استاد دانشکده فنی-مهندسی دانشگاه تبریز

عبدالحمید نقره کار

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

کلیدواژگان: بازآفرینی، وقفنامه، ربع رشیدی، سازمان فضایی، طرح فرضی

## چکیده

مهم‌ترین اثر شهری دوره ایلخانان است. این شهر با مرکزیت یافتن فضاهای دینی-آموزشی شکل گرفت که الگوی شهرسازی عصر ایلخانان بود. مهم‌ترین منبع و مرجع مستند درباره این شهر «وقفنامه ربع رشیدی» است که نوشته بانی آن، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است. به مدد این متن ارزنده، علاوه بر آشنایی با جغرافیای شهری تبریز، نظام آبرسانی، باغ‌های شهر، اصطلاحات و لغات معماری اسلامی، و دیگر ویژگی‌های شهری مربوط به آن زمان، می‌توانیم به طرحی کلی از این شهر و ساختار و سازمان فضایی آن دست یابیم.

ربع رشیدی شامل دو قسمت کلی «ربع» و «شهرستان» بود و با یک طرح شطرنجی از پیش اندیشیده و ساختار هندسی منظم، از چهار دروازه به بیرون راه داشت. چهارچوب آن را دو محور عمود بر هم منتهی به دروازه‌ها تشکیل می‌داد. یکی از این محورها بازار و دیگری ممزی بود که به ربع می‌رسید. همچنین علاوه بر باروی شهر، باغ‌های اطراف آن را به شکل باغ‌شهری در آورده و حدود خارجی‌اش را محصور کرده بودند.

با ورود اسلام به ایران، تمدن ایرانی در بسیاری از زمینه‌ها، از جمله معماری و شهرسازی، از این آیین جدید تأثیر پذیرفت. مطابق با این تحولات، ساختار پیشین شهر ایرانی، ساختاری ایرانی-اسلامی شد. آگاهی از این ساختار برای شناخت پیشینه ایرانیان در زمینه شهرسازی و معماری ضروری و مقدمه‌ای است برای رسیدن به طرح معماری و شهرسازی شایسته ایرانیان.

متأسفانه به سبب وقوع حوادث طبیعی و غیر طبیعی بسیار در طول زمان، دسترس به این ثروت‌ها و مطالعه مستقیم آنها در بسیاری از موارد به راحتی میسر نیست. از این رو، برای بررسی این شهرها و بازسازی تصویر آنها در ذهن، ناگزیر باید به منابع مکتوب هر دوره رجوع کرد؛ کتاب‌ها و نسخ و متون ارزشمندی که می‌توان تاریخ گم‌شده معماری و شهرسازی را از لابه‌لای سطور آنها به دست آورد.

این نوشتار به بررسی طرح فرضی یکی از شهرهای تاریخی مهم به نام ربع رشیدی اختصاص دارد. ربع رشیدی به لحاظ جامعیت،

## مقدمه

حمدالله مستوفی، از مورخان هم‌عصر خواجه رشیدالدین، در کتاب *نزهة القلوب* نوشته است:

در بالای شهر {تبریز} وزیر سعید خواجه رشیدالدین، طالب ثراه، به موضع ولیان کوه داخل باروی غازانی، شهرچه دیگری ساخته و ربع رشیدی نام کرده و درو عمارت فراوان عالی برآورده.<sup>۱</sup>

از گفته او پیداست که ربع رشیدی در دامنه ولیان کوه در تپه‌های عین‌علی واقع بود که اکنون با نام محله ششگلان (ششگیلان) و باغمیشه در جانب چپ دامنه کوه سرخاب (شمال شرقی تبریز) قرار دارد «ت ۲۱».

بر پایه مقدمه مفصل وقف‌نامه، بانی با استناد به آیات قرآن و احادیث، وقف را از بهترین اعمال صالحه دانسته و عمل خود را به لحاظ کیفی و کمی تا آن زمان برتر از تمام نمونه‌های مشابه در سرزمینهای اسلامی شمرده است. او در فکر ایجاد تأسیساتی بود که علما و دانشمندان در آن جمع شوند و علوم زمان



## پرسش‌های تحقیق

محققان درباره طرح ربع و شهرستان رشیدی چه نوشته‌اند؟  
طرح ربع و شهرستان رشیدی چگونه بوده است؟

۱. نقشه هوایی تبریز سال ۷۳ (محدوده تاریخی شهر و بقایای ربع رشیدی)

۱. حمدالله مستوفی قزوینی، *نزهة القلوب*، به تصحیح و تحشیة محمد دبیرسیاقی، تهران، طه، ۱۳۷۸، ص ۷۸.

علاوه بر «ربع» که هسته دینی و علمی شهر بود، شهر رشیدی جهت سکونت کارگزاران و مجاوران «ربع» شامل «شهرستان» رشیدی نیز بود که علاوه بر محله‌ها و خانه‌های مسکونی، فضاهاى شهری‌ای چون بازار و مسجد و حمام و کاروان‌سرا و مصلا و گازرگاه و کاغذخانه و ضراب‌خانه و دارالمساکین هم داشت.

## مسئله و پیشینه آن

ربع رشیدی در سده هشتم هجری بزرگ‌ترین مجموعه وقفی، علمی، آموزشی، و دینی بود. این شهر با همت و درایت دانشمند و مورخ و نویسنده برجسته این دوره، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، در شرق تبریز احداث شد و با جذب عالمان و طبیبان و هنرمندان و صوفیان و عارفان و صنعتگران از نقاط مختلف ایران و جهان، به زودی مرکزیت علمی و دینی و فرهنگی یافت.

سازمان فضایی ربع در دوره ایلخانان، نمودی از معماری و شهرسازی و تجلی جهان‌بینی و فناوری این روزگار بود. از این رو، چند و چون فضاسازی و معماری آن موضوعی است شایسته مطالعه‌ای دقیق و فراگیر. با اینکه از این مجموعه عظیم چیزی به جا نمانده است، از شواهد چنین بر می‌آید که طراحی آن با برنامه‌ای دقیق و بر طبق اصول مهندسی انجام پذیرفته است؛ چنان‌که در وقف‌نامه آمده است: «و مهندس داند که هر

را به پیش بَرزند. به همین سبب مجموعه بزرگ ربع رشیدی را برپا کرد. علاقه و اشتیاق خواجه بدین کار چنان بود که با وجود اشتغالات سیاسی، از نخستین روزهای شروع ساخت مجموعه تا پایان حیاتش، بر تمام امور ربع رشیدی مستقیماً نظارت می‌کرد و مهندسان و صاحبان فنون گوناگون را به یاری و مشاوره می‌گرفت. پس از اتمام کار ساختمان، تولیت‌اش را نیز تا پایان عمر شخصاً عهده‌دار شد.<sup>۲</sup>

در باب اول وقف‌نامه بقاع ابواب‌البر رشیدی چنین توصیف شده است: شامل دو قسمت بوده که بخشی از آن را پیش‌تر ساخته و بارویی به دور آن کشیده بودند. این قسمت درگاهی داشته که دارای دو مناره نیز بوده است. قسمت دوم را بعدتر بنا نهاده و باروی (دیوار) را آن به باروی مجموعه پیشین متصل کرده و دروازه‌های دیگر در بیرون آن ساخته‌اند. خواجه مجموع این دو قسمت را «ربع رشیدی» نامیده است (ص ۴۱).

بقاع خیر که اصل و هدف بانی بوده، چهار قسمت اصلی داشته است:

۱. مکانی که ساکنان با علم‌آموزی و مباحثه، که طریق و روش علما و دانشمندان است، به تکمیل و تقویت شخصیت و نفس خود بر حسب «قوای نفسانی» می‌پراختند (ص ۴۱ و ۴۲).  
روضه ربع رشیدی را برای این مهم در نظر گرفته بودند.

۲. مکانی که ساکنان با سیر و سلوک، که طریق و روش اهل تصوف است، به تکمیل و تقویت شخصیت و نفس خود بر حسب «قوای بدنی» می‌پراختند (ص ۴۲). خانقاه ربع رشیدی را بدین منظور ساخته بودند.

۳. دارالضیافه برای اشخاص صحیح‌المزاج بنا شده بود (همان‌جا).

۴. دارالشفایا را برای درمان بیماران ساخته بودند (همان‌جا).  
بر این اساس، ربع رشیدی دارای چهار قسمت اصلی روضه، خانقاه، دارالضیافه، و دارالشفایا بوده است.

۲. محمد مهدی بروشکی، بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵، ص ۶۲

۲. نقشه دارالسلطنه تبریز ۱۲۹۷ هجری قمری



برشمرد که در هر یک، هر چند به شکلی جزئی و نامستقیم، بخشی از فضاهای این شهر توصیف شده است.

## هدف و روش تحقیق

هدف از این تحقیق، شناسایی ساختار کالبدی و اکتشاف سازمان فضایی ربع رشیدی و بازآفرینی ذهنی طرح آن است. از آنجا که نشانه‌های فیزیکی موقوفات رشیدی به کلی از میان رفته و تا کنون اکتشافات باستان‌شناسی کاملی برای یافتن آنها به عمل نیامده است، ارائه‌ی طرحی فرضی بر اساس اطلاعات «وقف‌نامه» ربع رشیدی» تا حدی راه‌گشای تحقیقات آینده است.

روش این تحقیق مبتنی بر دقت در مطالب و نکات ذکر شده در متن وقف‌نامه و تحلیل محتوای آن است که شامل مراحل زیر است:

۱. مطالعه عمیق وقف‌نامه و تحلیل محتوایی آن به منزله مهم‌ترین منبع تحقیق.
۲. مطالعه دیگر نوشته‌های خواجه رشیدالدین و آثار سایر مورخان آن عصر.
۳. بررسی تحقیقات پژوهشگران معاصر درباره ساختار معماری و شهر در دوره ایلخانان.

## نقد و تحلیل طرح‌های فرضی ربع رشیدی

از آنجا که شناسایی ربع رشیدی بحثی گسترده است و تحقیقات مفصلی درباره آن به انجام رسیده است، ارزیابی تجربیات پیشین مرحله‌ای مهم از هر بررسی تازه‌ای در این زمینه است. به همین منظور، چهار نمونه از تحقیقات و طرح‌های گذشته را در ابتدای کار نقد و بررسی می‌کنیم. گفتنی است که محک و مرجع این نقد و دیگر یافته‌های این نوشتار، اطلاعات مندرج در «وقف‌نامه» ربع رشیدی» است.

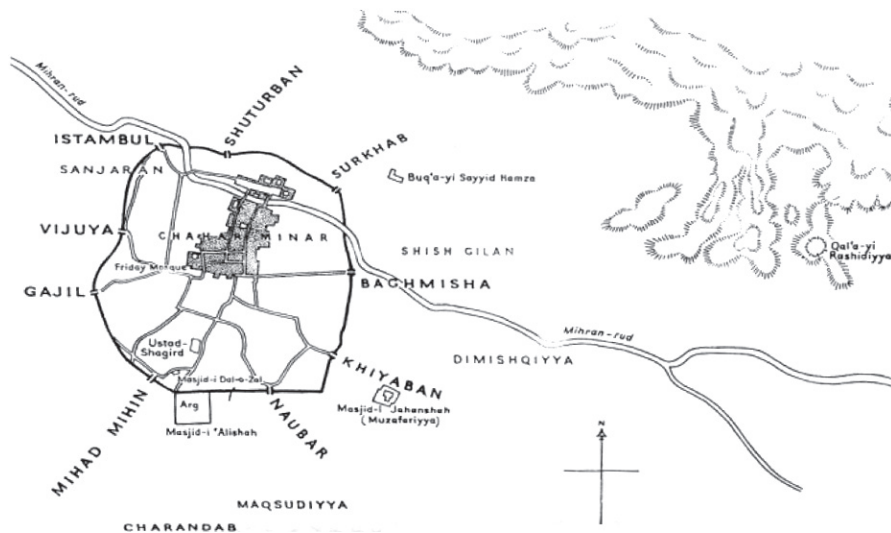
هر یک از این طرح‌ها نقاط قوت و وضعی دارد. پروفیسور هوفمان در طرح خود بیشتر به مکان‌یابی کلی فضاهای ربع

یک جهت کجا و پیوند آن چگونه است. [...] چون خواهد که دیگران بدانند و ببینند، بر آن قادر باشد که هم شرح بدهد و همه را برایشان هر یک به جای خود ترکیب کند» (ص ۷). ربع رشیدی به لحاظ معماری و شهرسازی از مهم‌ترین ساخته‌های بشر است؛ به همین سبب، چندین محقق ایرانی و غیر ایرانی به تحقیق درباره آن پرداخته‌اند. داندل ویلبر،<sup>۳</sup> شیلا بلر،<sup>۴</sup> بریگیت هوفمان<sup>۵</sup> محمدحسن لواسانی، و احمد سعیدنیا از آن جمله‌اند. اما نبود بازمانده‌ای از این مجموعه و به تبع آن عدم امکان مطالعات میدانی، عرصه پژوهش در این زمینه را تنگ و کشف اسرار آن را دشوار کرده است. این عوامل موجب شده که تا به امروز طرح و نقشه‌ای دقیق از سازمان فضایی ربع رشیدی به دست نیاید و چگونگی ساختار مجموعه همچنان مبهم بماند.

با این همه، منابعی در دست است که راه پژوهش در این زمینه را تا حدی می‌گشاید. این منابع همان متون تاریخی و اسناد مربوط به این دوره است که در نوع خود بی‌نظیرند. از جمله این آثار می‌توان تاریخ مبارک غازانی، جامع التواریخ رشیدی، مکاتبات رشیدی، و مهم‌تر از همه «وقف‌نامه» ربع رشیدی» را

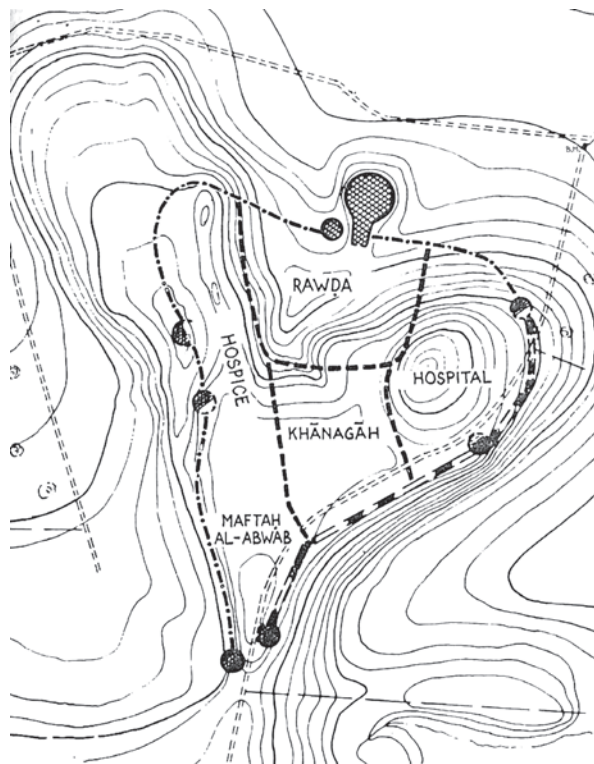
3. Donald Wilber
4. Sheila Blair
5. Brigitt Hofman

ت. ۳. طرح نقشه ای از معابر و دروازه های تبریز و ربع رشیدی Hofman, Brigitt , Wagf im Mongolischen Iran.P36





ت ۴. طرحی از کاربری های کلی ربع رشیدی از هافمن، (همان، ص ۴۲)



۶. خانم پروفیسور هوفمان رساله فوق دکترایش را درباره ربع رشیدی با اتکا به «وقفنامه ربع رشیدی» در سال ۲۰۰۰ زیر نظر پروفیسور فراگتر به انجام رساند.

۷. «سقا خانقاه و مجاوران حجره‌ها و مطبخ آن و مجاوران ساباط خانقاه و ممر آن تا درگاه روضه و درگاه مناره و سقاییه که در آن ممر است» (ص ۱۸۹)؛ «سقا دارالضیافه و مطبخ آن و مجاوران و مسافران آن و مفتاح‌الابواب تا درگاه اولین ربع رشیدی و سقاییه‌ها که در دور ساخته آمده» (همان جا).

۸. «دارالحفاظ [...] قبه که در تحت آن سردابه است». «در موضعی که شبکه قبلی قبه بر آن نهاده و خارج آن قبه بر در شبکه مذکور صفت کوچک ساخته‌ایم». «بالای این زیرزمین گنبد است که آن بیت‌الحفاظ گردانیده تا آن صفت کوچک که متصل گنبد است و پیش آن به شبکه چوبین برآورد» (ص ۱۳۵).

۹. «که او همانند نایب متولی است و آن بر سردرگاه روضه است از جانب ایسر» (ص ۴۳).

برخی از مواردی که در طرح هوفمان جای‌گیری درستی ندارند عبارت‌اند از:

#### - روضه

۱. قبه (مقبره) خود دارای ایوانی است که در مقابل ایوان بزرگ مسجد روضه (صفت صدر) قرار دارد<sup>۱</sup> (ص ۱۳۵)؛ اما در این طرح مقبره در پشت صفت صدر و مسجد زمستانی در کنار این صفت طراحی شده است.

۲. سرای ناظر در بالای سر درگاه ایسر روضه (اشکوب بالا) است<sup>۲</sup> (ص ۴۳) نه در مجاور سردرگاه.

۳. مجاور ورودی خانقاه و جهت خانه‌های حفاظ، غرفه‌هایی معروف به حجره‌های ساباط وجود دارد (ص ۴۳) و بعضی دیگر از حجره‌ها نیز در بالای دارالشفای قرار دارند (همان جا).

پرداخته و بدین منظور آن را در دو بخش «خانقاه» و «روضه» بررسی کرده است. دکتر سعیدنیا هم مجموعه را در دو بخش جداگانه مطالعه کرده است: «ربع» و «شهرستان» رشیدی. بر همین اساس، نگارنده ابتدا به نقد تحقیقات این دو پژوهشگر می‌پردازد و پس از ارائه طرح خود، فضاهای مجموعه را با آنچه در وقف‌نامه آمده، تطبیق می‌دهد. همچنین برخی گفته‌های پروفیسور شیلا بلر و کلیت طرح دکتر لواسانی هم نقد خواهد شد.

## بررسی و تحلیل طرح‌های فرضی ربع رشیدی

### طرح فرضی ۱: فرضیه هوفمان<sup>۶</sup>

از آنجا که این طرح با مطالعاتی گسترده در زمینه شهرسازی دوره ایلخانان و توجه ویژه به ربع رشیدی به انجام رسیده، شایسته بررسی و مطالعه‌ای عمیق است. هوفمان در طرح فرضی‌اش بیشتر به کلیت مجموعه پرداخته تا به جزئیات آن. او نقشه‌ای از معابر و دروازه‌های تبریز و بخش ربع به دست داده که همخوانی زیادی با اخبار مندرج در وقف‌نامه دارد «ت ۳».

این محقق در نقشه‌ای دیگر به جای‌گیری کلی فضاها پرداخته است. جای‌گیری چهار فضای نشان داده شده در این طرح با وقف‌نامه تطابق ندارد. بعد از گذر از «باب‌الابواب»، به فضایی باز به نام «مفتاح‌الابواب» می‌رسیم. با دقت در معنی عنوان «مفتاح‌الابواب» - محل گشوده شدن درها - می‌توان دانست که تمام درهای کلیدی به این فضا باز می‌شده است. همچنین مطابق متن وقف‌نامه، درگاه کوچک روضه هم به این فضا و ورودی فضاهای مهم به کوچک روضه گشایش می‌یافته است. بر این اساس، شاید بتوان آن را نوعی «ورودی غیر مستقیم» دیگر فضاها (دارالشفای و خانقاه و غیره) دانست<sup>۷</sup> (ص ۱۸۹) «ت ۴».

گرفته شده که در وقفنامه غیر از باغچه<sup>۱۴</sup> از فضای دیگری سخن نرفته است (ص ۱۷۸).

۳. به مفهوم شاهنشین در معماری ایرانی توجه نشده است. شاهنشین<sup>۱۵</sup> بخشی از فضای تابخانه و طنبی است (ص ۱۹۶) نه فضایی مجزا.

۴. سرابستان<sup>۱۶</sup> در پشت گنبد مسجد روضه قرار دارد (ص ۴۳) که در این طرح نادیده گرفته شده است («ت ۶»).

در یک بررسی کلی می‌توان نتیجه گرفت که مطالعات پروفیسور هوفمان دارای ارزش بسیار است ولی او فضاها و کاربری‌ها را جدا از هم و نامرتب با هم دیده است (چنان که دیدیم، فضاهای دو بخش روضه و خانقاه را جدا از هم ترسیم کرده و به ارتباط آن‌ها نپرداخته است). یکی از نکات شایان توجه در این طرح، جای‌گیری صفاها (فضای چهارایوانی) است که نیازمند مطالعه بیشتری است و در طرح پیشنهادی نگارنده به آن خواهیم پرداخت.

بنا بر این، حجره‌ها در سه موضع یعنی نزدیک ورودی خانقاه، بالای دارالشفا، و بالای درگاه بیرونی ربع رشیدی واقع‌اند؛<sup>۱۰</sup> ولی هوفمان در این طرح، حجره را در بخش روضه در نظر نگرفته است.

۴. دارالمصاحف<sup>۱۱</sup> که یکی از فضاهای مهم روضه است (ص ۴۲ و ص ۱۳۳)، در این طرح دیده نمی‌شود.

۵. سرای متولی<sup>۱۲</sup> متصل به روضه است (ص ۴۳) نه در داخل آن «ت ۵».

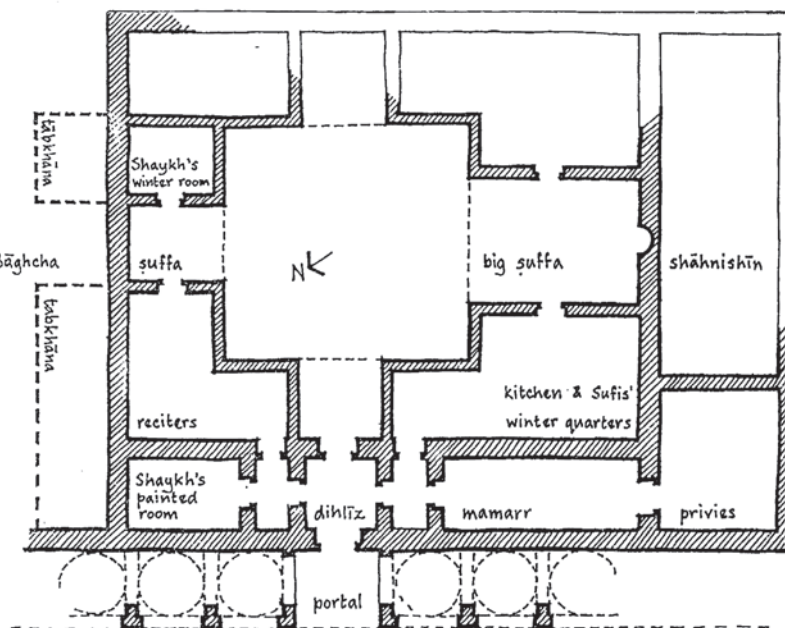
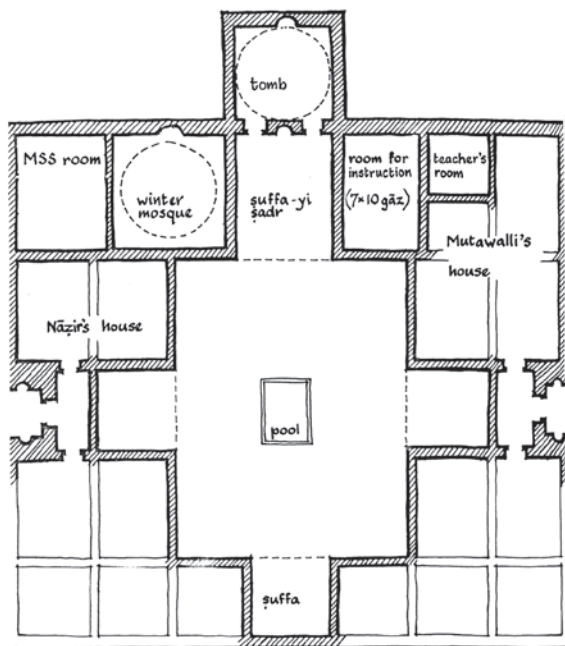
### خانقاه

۱. تابخانه اتاقی زمستانی است که در پشت باغچه قرار دارد<sup>۱۳</sup> و در صورت نیاز، بخشی از باغچه را می‌توان به فضای تابخانه افزود (ص ۱۷۸)؛ اما هوفمان در این طرح تابخانه را بخشی از فضای باغچه در نظر گرفته است.

۲. پشت ایوان بزرگ خانقاه، فضاهایی مانند شاهنشین در نظر

۱۰. «حجره‌ها که نزدیک در خانقاه است [...] آن معروف است به حجره‌های ساباط و بعضی حجره‌ها که بر بالای دارالشفاست» (ص ۴۳). «و دیگر حجره‌ها متصل به هم بر بالای درگاه ربع رشیدی بیرونی» (همان‌جا).

۱۱. «همچنان مشتمل است بر دارالمصاحف و کتب‌الحديث و آن در جوار مسجد شستوی است» (ص ۴۲). «[...] امور دارالمصاحف و کتب‌الحديث که در جوار مسجد ۵. (راست) طرح فرضی بخش خانقاه ربع رشیدی (هافمن) ت ۶. (چپ) طرح فرضی بخش روضه ی ربع رشیدی (هافمن)



شتوی روضه است و شروطی که بدان تعلق دارد و این بقعه نیز هم ابوالبر روضه است و در آن هم در آنجا مفتوح است» (ص ۱۳۳).

۱۲. «که متصل روضه است و در آن متصل است به سردر ربع رشیدی» (ص ۴۳).

۱۳. «و شرط کردیم که در این حجرها قطعاً آتش نکنند و چون زمستان باشد و خواهند که آتش کنند و گرم شوند که برابر مطبخ خانقاه است، تابخانه‌ای هست که دیوار آن با دهلیز خانقاه دارد در آن در این تابخانه کنند و دری که با صفه دارد آن را به آجر بگیرند تا دود در اندرون حجره نرود که شیخ در آن خواهد بود و نیز چون نقاشی کرده‌ایم سیاه نشود. و قدری زمین دراز که اسم باغچه دارد در پس آن تابخانه و روشنایی آن از آن است و روشنایی صفه سراچه همچنین» (ص ۱۷۸). «گفتیم تا آن قدر زمین که در محاذ آن تابخانه است، از آن باغچه باز برند و داخل آن تابخانه کنند؛ لکن سقف آن بلندتر بیوشند و سوراخی بزرگ باز گذارند تا دود از آنجا بیرون رود؛ چنانکه قطعاً دود آن در آن سراچه که شیخ خانقاه که امام نیز هم او باشد، در آنجا باشد نتواند رفتن» (همان جا).

۱۴. «بدان موضع که از باغچه اضافه کرده باشند، در آنجا روند و چون آن را بیوشند سوراخی بزرگ بگذارند تا دود بیرون رود و شیخ به زمستان در آنجا باشد تا آتش تواند افروختن و چنان سازد که دود قطعاً به آشکوب بالاین و زیرین نرسد و سیاه نگرداند.» «و باید که دیوار آن به یک دنده برآوردند چه زیر آن زیرزمین است چنانکه

است و مفاهیم صفه و تابخانه و طنبی نمودی در طرح ندارند. به جای باغچه که در متن وقفنامه با عنوان «زمین دراز» مطرح شده، باغ خانقاه قرار گرفته که به لحاظ تناسب شکل مطابقتی با باغچه ندارد. همچنین بر اساس توصیفات وقفنامه نیز تطابقی با باغ خانقاه ندارد؛ چرا که باغ خانقاه از باغ‌های رشیدآباد است. (ص ۱۵۳، ص ۱۷۷، ص ۱۷۸، ص ۱۹۶).

۵. ساباط<sup>۲۰</sup>: ارتباطدهنده دارالشفای و خانقاه و از فضاهای مطرح در وقفنامه است که در طرح مکان‌یابی نشده است (ص ۴۳، ص ۱۸۹).

۶. مسجد شتوی<sup>۲۱</sup>: با توجه به توضیحات وقفنامه و نمونه‌های مشابه، جای‌گیری گنبد در کنار ایوان منطقی نمی‌نماید (ص ۱۲۸).

۷. سراستان<sup>۲۲</sup>: در پشت گنبد مسجد شتوی واقع است (ص ۴۳) که در این طرح با توجه به جای‌گیری نامناسب مسجد شتوی، سراستان جای‌گیری مناسبی ندارد.

۸. حمام: با توجه به توصیف وقفنامه درباره زیرزمین<sup>۲۳</sup> که «در جنب گنبد و در برابر حمام است» (ص ۱۹۴)، جای‌گیری حمام در این طرح درست نمی‌نماید.

۹. حجره‌ها: نزدیک در خانقاه و جهت خانه‌های حیفاظ، معروف به حجره‌های ساباط است و بعضی دیگر از حجره‌ها نیز در بالای دارالشفای قرار دارند (ص ۴۳) پس حجره‌ها در سه موضع یعنی نزدیک در خانقاه، بالای دارالشفای، و بالای درگاه بیرونی ربع رشیدی واقع‌اند؛ ولی در این طرح، حجره‌ها در دو بخش قرار گرفته‌اند.

۱۰. سرای طبیب: در کنار دارالشفای در جانب ایمن واقع و معروف به دارالطبیب است. محل آموزش متعلمان طب در رواق دارالشفای معروف به رواق‌المرتبین است و نزدیک شبکه از جانب جنوب قرار دارد.<sup>۲۴</sup> مسکن بعضی از کارکنان در آنجاست (ص ۱۴۵) که در این طرح جای‌گیری نشده است.

## طرح فرضی ۲: فرضیه احمد سعیدنیا

در بین طرح‌ها و تحقیقات پژوهشگران داخلی، این طرح تا به امروز معتبرترین و کامل‌ترین طرح فرضی است و بسیاری از محققان در مقالات و تحقیقاتشان از آن بهره برده‌اند. مبنای کار سعیدنیا وقفنامه بوده اما از پژوهش‌های محققان خارجی، به ویژه هوفمان، هم استفاده کرده است. در اینجا ضمن ارج‌گذاری به طرح این محقق، بخش‌هایی از آن را که با مبانی و جملات وقفنامه همخوانی ندارند، بررسی می‌کنیم.

### - تحلیل «ربع» رشیدی

۱. دارالضیافه: در این طرح دارالضیافه‌های ایمن و ایسر هر دو در یک سوی مفتح‌الابواب قرار گرفته و انبارها در روبه‌روی آنها واقع شده است. با توجه به اینکه هر یک از این دو دارالضیافه برای خود دهلیز و حوایج‌خانه‌ای (انبار) مجزا داشته است، تخصیص چنین فضای بزرگی برای انبار نه منطقی می‌نماید و نه در وقفنامه به آن اشاره‌ای شده است. برای تفکیک بهتر دارالضیافه‌ها و درک بهتر مفهوم ایمن و ایسر — با معیار قرار دادن ورودی (باب‌الابواب) — به نظر می‌رسد دارالضیافه‌ها در دو سوی باب‌الابواب قرار داشته‌اند. مطبخ‌ها هم در این طرح بیرون از محدوده دارالضیافه قرار گرفته‌اند، در حالی که با توجه به متن وقفنامه، مطبخ<sup>۱۷</sup> بخشی از فضای دارالضیافه است (ص ۴۲).

۲. مفتح‌الابواب: مطابق توصیفات وقفنامه، فضایی باز با صحن و حوض و چهار ایوانی بوده است<sup>۱۸</sup> نه یک هشتی (ص ۱۴۲، ص ۱۶۸، ص ۱۹۵).

۳. دارالشفای: به مفهوم رواق و رواق‌المرتبین توجه نشده است.<sup>۱۹</sup> در حالی که دارالشفای فضایی چهارایوانی و دارای صحن است، در این طرح فقط موقعیت آن نشان داده شده است (ص ۴۲، ص ۱۴۵، ص ۱۶۹، ص ۱۸۹).

۴. خانقاه: به عنوان فضایی چهار ایوانی در نظر گرفته نشده





رواق‌المرتبین که مطبخ و گلاب‌خانه و مسکن بعضی عمله در آنجا باشد، سرای طیب که آن نیز بدان متصل است». «مسکن او در آن خانه باشد که در جنب دارالشفاست به جانب ایمن که آن معروف است به دارالطیب. و باید که آن طیب قادر باشد بر درس طب گفتن و دو متعلم را همواره درس گوید بر رواق دارالشفای نزدیک شبکه از جانب جنوب و آن رواق معروف است به رواق‌المرتبین».

۲۰. «حجره‌ای از حجرها که در ساباط خانقاه ساخته‌اند و بعضی حیاط آنجا می‌نشینند. یکی که بزرگ‌تر باشد، متولی بدو دهد» (ص ۱۸۳).  
۲۱. «مسجد شتوی که عبارت است از قبه‌ای که در یسار داخل مسجد صیفی است و این هر دو مسجد را وقف کرده [...] اگر زمان اعتدال هوا و اوان سعت و رخا باشد، در مسجد صفة صدر و اگر در زمان شدت و تعب و کلفت و نصب باشد، در مسجد قبه» (ص ۱۲۸).

۲۲. «سرایستان در پشت گنبد مسجد که داخل روضه است» (ص ۴۳).

۲۳. «زیرزمین در جنب گنبد در آن برابر حمام است» (ص ۱۹۴).

۲۴. «مسکن او در آن خانه باشد که در جنب دارالشفاست به جانب ایمن که آن معروف است به دارالطیب. و باید که آن طیب قادر باشد بر درس طب گفتن و دو متعلم را همواره درس گوید بر رواق دارالشفای نزدیک شبکه از جانب جنوب و آن رواق معروف است به رواق‌المرتبین» (ص ۱۴۵).

۲۵. «سرای متولی [...] و آن سرایی و حجره‌ای است متصل به هم و دارالکتاب و مخزن هر دو آنجاست» (ص ۴۳). «در شرایط امور بیت‌الکتاب

مناره‌هایی بود. [...] در آشکوب بالا [...] چند اتاق تو در تو [...] برای میهمانان ممتاز تعبیه شده بود»<sup>۳۴</sup>

در طرح بلر «ممر» به منزله حیاطی جلوخانی در نظر گرفته شده است.

« ممر [...] در اینجا مقصود صحن است، زیرا مکان منظور آن قدر فراخ بوده است که به هشت چراغ نیاز داشته باشد و در یک جانب آن دری به سمت معبری بوده که به محله صالحیه راه می‌برده است»<sup>۳۵</sup>

اگر ممر را یک صحن و در واقع یک حیاط جلوخانی در نظر بگیریم، وجود مفتاح‌الابواب غیر منطقی می‌نماید؛ چرا که در ربع این فضا نقش حیاط جلوخانی را ایفا می‌کند. بلر در توجیه این مسئله تعدد چراغ‌های به کار رفته در ممر را مطرح کرده است؛ در حالی که اگر این فضا را صحن فرض کنیم، بزرگ‌تر از صحن روضه نیست. در متن وقف‌نامه تعداد چراغ‌های روضه چهار عدد ذکر شده است که کمتر از تعداد چراغ‌های ممر (هشت عدد) است. ۳۶ بنا بر این، کثرت چراغ‌های ممر دلیلی بر صحن بودن آن نیست. بر همین اساس، منطقی‌تر آن است که ممر به معنای یک مسیر و محل عبور بوده باشد و چراغ‌ها را در طول آن برای جهت‌یابی بهتر در نظر گرفته باشند (ص ۴۳ و ۱۶۷).

تفاوت دیگر طرح خانم بلر با طرح نگارنده، مکان‌یابی طنبی در خانقاه است. در متن وقف‌نامه از موقعیت طنبی سخنی به میان نیامده است. در طرح بلر بر اساس نمونه‌هایی عثمانی از همان دوره، این فضا یکی از ایوان‌های خانقاه در نظر گرفته شده که البته ممکن است گزینه‌ای صحیح باشد. اما نگارنده در تعیین مکان طنبی از نمونه‌های معماری ایرانی بهره گرفته است. ۳۷ بلر بیان کرده که شکل خانقاه ربع رشیدی از بیرون نامنتظم بوده است. با توجه به اینکه کل مجموعه ربع و شهرستان رشیدی از پیش طراحی شده بود، نامنتظم بودن شکل خانقاه، هر چند از

ایران و آسیای مرکزی در دوره ایلخانان و تیموریان» اختصاص داده است.

بلر در توصیف مجموعه ربع رشیدی و مراحل ساخت و ساز آن این‌گونه نوشته است:

بنا بر وقف‌نامه، اراضی متعلق به بقعه (زقیات آن) از مجاری خیریه (ابواب‌البر) شامل دو ناحیه بوده است: آنکه در جلو {بقعه} بوده باروهایی داشته است و برایش دروازه‌ای (درگاه) با مناره‌هایی متصل بدان ساخته بودند؛ آنکه در پشت {بقعه} بوده دروازه‌ای دیگر و نیز باروهایی داشته است. باروهای جلو و پشت به هم متصل می‌شده و آن دو زمین را به هم می‌پیوسته است. خواجه رشیدالدین کل این مجموعه را «ربع رشیدی» خوانده است. برج‌های آجری و باروی مدوری که امروز از آن مجموعه به جا مانده است، اگر هم باروهای اصلی نباشد، باری جایگاه مجموعه اصلی را نشان می‌دهد.<sup>۳۱</sup>

با استناد به متن وقف‌نامه<sup>۳۳</sup> درمی‌یابیم که ربع در دو مرحله و با فاصله‌ای زمانی احداث گردیده است. در مرحله نخست، بخش اول را شامل روضه، دارالشفای و خانقاه ساخته و بارویی پیرامون آن کشیده و درگاهی در بارو تعبیه کرده‌اند که درگاه مناره خوانده می‌شود. در مرحله دوم، دو دارالضیافه به مجموعه افزوده و بارویی جدید به دور آنها کشیده و درگاهی را که در وقف‌نامه از آن با عنوان درگاه بیرونی یاد شده، در آن ساخته‌اند. از طرف دیگر، با توجه به آنچه از مطالب وقف‌نامه برمی‌آید،<sup>۳۳</sup> درگاه مناره و درگاه بیرونی با هم مرتبط‌اند و فضای ارتباط‌دهنده این دو مفتاح‌الابواب است (ص ۳۷، ص ۴۱، ص ۱۶۰، ص ۱۶۸)؛ در حالی که در طرح بلر، دو درگاه مربوط به دو بخش، جدا از هم‌اند و ارتباطی با هم ندارند. هر چند بلر در جایی دیگر درگاه مناره و درگاه بیرونی را یکی در نظر گرفته و نوشته است:

«جلوخان ربع رشیدی به سردری رفیع و دوآشکوبه می‌رسید که بدان درگاه بیرونی یا درگاه اولین می‌گفتند و در طرفین آن

با یک‌دو پله برای حافظان قرآن می‌نهادند. شاید هم این صفه، مانند حرم {حضرت معصومه (ع) در} قم، فقط فرورفتگی‌ای در دیوار پسین ایوان بوده باشد. در هر صورت، در این روضه مقبره بر جای گنبدخانه در الگوی مسجد چهار ایوانی نشسته بود.<sup>۴۴</sup>

### طرح فرضی ۴: طرح فرضی لواسانی

یکی از نکاتی که در طرح لواسانی توجه را جلب می‌کند، نام‌گذاری فضاهای نه بر اساس آنچه در وقف‌نامه آمده، بلکه بر اساس نام‌های رایج در کاربرد امروزی است. مثلاً او خانقاه را دانشکده الهیات، بیت‌التعلیم را کودکستان، و دارالشفای بیمارستان خوانده است. همچنین فضاهایی را در نظر گرفته که در وقف‌نامه به آنها اشاره‌ای نشده است؛ مثلاً فضاهایی چون دانشکده فنی و دانشکده ادبیات. بعضی از فضاها نیز در این طرح به کلی از قلم افتاده است؛ از جمله مقبره خود خواجه رشیدالدین (ص ۴۱) که از عناصر بسیار مهم مجموعه ربع رشیدی به شمار می‌رود.

گفتنی است که رویکرد اصلی لواسانی در این طرح نشان دادن تأسیسات و اجزای ربع رشیدی است نه باز آفرینی دقیق شهر. لذا شاید خرده گرفتن به تقسیم‌بندی فضاهای ربع و شهرستان رشیدی در این طرح و پرداختن به جزئیات جای‌گذاری فضاها چندان صحیح نباشد. از این رو، طرح لواسانی را، که در نوع خود بسیار حائز اهمیت است، به شکل کلی بررسی می‌کنیم.

لواسانی فضاهای اصلی ربع رشیدی را که در خود وقف‌نامه با نام‌های روضه، مقبره، خانقاه، دارالشفای و دارالضیافه (ص ۴۲) معرفی شده‌اند، این‌گونه تقسیم‌بندی نکرده است. همچنین این نکته را که تمامی این‌ها در عین جدا بودن از هم، دارای وحدتی کلی است، در نظر نگرفته و تقسیم‌بندی فرضی مربوط به آنها از نظرش دور مانده است. همچنین در این طرح، شهرستان مجموعه‌ای بسیار کوچک، حتی کوچک‌تر از خود ربع، است که با ربع کاملاً متداخل و ترکیب شده است. نام

بیرون غیر منطقی می‌نماید، غالباً در بافت‌های ارگانیک مشاهده می‌شود.

در طرح بلر نیز همچون طرح سعیدینا، مسجد زمستانی در جانب چپ مسجد تابستانی در نظر گرفته شده است. اما نگارنده در طرح فرضی خود مسجد زمستانی را — که دارای گنبدی است — در پشت صفه صدر در نظر گرفته است. بلر در طرح خود مسکن متولی (ص ۴۳ و ۱۷۵) و ناظر (ص ۱۶۰) را روبه‌روی هم و در کنار درگاه‌های روضه در نظر گرفته است؛ در حالی که با توجه به متن وقف‌نامه، مسکن ناظر بالای سردرگاه ایسر است نه در کنار آن.<sup>۳۸</sup>

بلر همچنین مکان بیت‌الکتب را جنب خانه ناظر ذکر کرده است:

«در جنب خانه ناظر دارالکتب [است] [...] در برابر مسجد زمستانی واقع بود و مدخل‌هایی در چپ و راست داشت»<sup>۳۹</sup> اما بر اساس متن وقف‌نامه (ص ۴۳)، مکان یابی صحیحی نیست.<sup>۴۰</sup>

آنچه طرح روضه بلر را از طرح نگارنده کاملاً متمایز می‌سازد، موقعیت‌یابی مقبره در روضه است. بلر مقبره و مسجد را در یک سمت روضه و در کنار هم در نظر گرفته است؛ به این ترتیب که مقبره را در پس صفه صدر قرار داده است. در وقف‌نامه ایوان جلو مقبره با عنوان «صفه کوچک» یاد شده است.<sup>۴۱</sup> بنا بر این، این ایوان غیر از صفه صدر است (ص ۱۶۴ و ص ۱۳۵).

بلر بعد از قرار دادن مقبره در پشت صفه صدر، در مکان‌یابی صفه کوچک دچار مشکل شده و به ناچار آن را تختهگاهی چون تختهگاه بقعه شیخ صفی در اردبیل در نظر گرفته است:

مقبره رشیدالدین درست در پس ایوان، یا مسجد جامع، بر محور قبله قرار داشت. [...] شبکه جلو مقبره در برابر محراب ایوان جنوبی بود [...] سه قاری [...] در صفه کوچک، نزدیک شبکه می‌ایستادند. تصویر کردن اینکه این صفه کوچک چگونه بوده دشوار است؛ شاید تختهگاهی، همچون تختهگاه بقعه {شیخ صفی} در اردبیل بوده باشد. در این صورت، شاید در آن سه منبر کوچک

که در سرای متولی است و کتب که در آنجا نهاده» (ص ۱۵۰).  
 ۲۶. «سرای متولی که متصل روضه است و در آن متصل است به درسر ربع رشیدی» (ص ۴۳).  
 ۲۷. در این نقشه تبریز، ربع رشیدی، و محور جاده عراق به تبریز و ربع رشیدی مشخص شده است. عراق در جنوب تبریز و ربع رشیدی واقع است.

۲۸. «و این محله صالحیه محله‌ای است از محلات شهرستان رشیدی که به ربع رشیدی نزدیک است و یک در کوچه آن در ممر بزرگ ربع رشیدی است که بر بالا می‌روند و یک در دیگر به جانب بازار که به راه دروازه سرخاب می‌روند» (ص ۱۷۲).  
 ۲۹. «و از آنجا به جنب جوی هیرآباد که به شهرستان می‌گذرد بریده شده و آب این ممر از سه کهریز است» (ص ۲۱۳).

۳۰. «مقسم دوم به لوله مذکور، سه لوله این مقسم در حدود موضعی نهاده که آب کهریزهای رشیدآباد مذکور [...] کرده بر روض ربع رشیدی رفته و این سه لوله جهت حقایق محلات عزآباد است که آن بر زمین‌های پهلوان سعید زیر پشته‌های سرخاب نهاده شده» (ص ۲۱۱).

۳۱. شیلیا بلر، «معماری و جامعه در دوره ایلخانیان: تحلیل وقف‌نامه ربع رشیدی»، ترجمه مهرداد قیومی، در: گلستان هنر، ش ۱۳ (پاییز ۱۳۸۷)، ص ۴۹.

۳۲. «بنا بر این مقدمات [...] در بنای ابواب‌البر ربع رشیدی و سایر ابواب‌البر که به هر موضع بنیاد کرده، صرف کرد و املاکی که پیش از این داشته، اکثر آن بر مصالح ربع رشیدی وقف

کرده ...» (مقدمه وقفنامه). «بنا بر این مقدمات تمسک به فضل حق، عز شأنه، و توکل بر انعام جسیم او کرده [...] نقد ریزهای مال خود در بنای ابوابالبر ربع رشیدی و سایر ابواب البر که به هر موضع بنیاد کرده صرف کرد و املاکی که پیش از این داشته، اکثر آن بر مصالح ربع رشیدی وقف کرده و باقیات که بوده بر سایر خیرات همچون مسجد جامع رشیدی به محله شش گیله تبریز و دیگر بقاع خیر که به تبریز است و ابوابالبر همدان و یزد وقف کرده» (ص ۳۷).

ت ۹. طرح فرضی ربع رشیدی در مقاله نقش موقوفات در خودگردانی مراکز آموزشی. درمانی (لواسانی)

«درگاه اولین» — آن است.<sup>۴۵</sup> توضیح این نکته لازم می‌نماید که مقصود از اولین درگاه بودن آن به لحاظ مکانی است نه تقدم زمانی؛ چرا که این درگاه پس از احداث بخش جدید مجموعه و گسترش یافتن بارو ساخته شده است.<sup>۴۶</sup> باب‌الابواب صرفاً یک «سردر» نیست، بلکه فضایی است با هویت و دارای غرفه‌هایی است به جانب شرقی و شمالی که برای نزول «مسافران متمیز» در نظر گرفته شده بود.<sup>۴۷</sup>

مفتح‌الابواب: بعد از گذر از باب‌الابواب، به فضایی باز به نام «مفتح‌الابواب»<sup>۴۸</sup> می‌رسیم. با توجه به معنی واژه «مفتح‌الابواب» (محل گشایش درها)، می‌توان فهمید که تمام درهای کلیدی به این فضا باز می‌شده‌اند. همچنین از آنچه در «وقفنامه» ذکر شده، بر می‌آید که مفتح‌الابواب فضایی است چهارایوانی<sup>۴۹</sup> و دواشکوبه (دوطبقه) که هم درگاه دارالضیافه و هم درگاه مناره در آن قرار دارند.<sup>۵۰</sup> همچنین از آنجا که درگاه کوچه روضه به این فضا<sup>۵۱</sup> و ورودی فضاهای مهم نیز به کوچه

بسیاری از محله‌های شهر و عناصر و مکان دقیقشان را هم در طرح نمی‌توان دید.

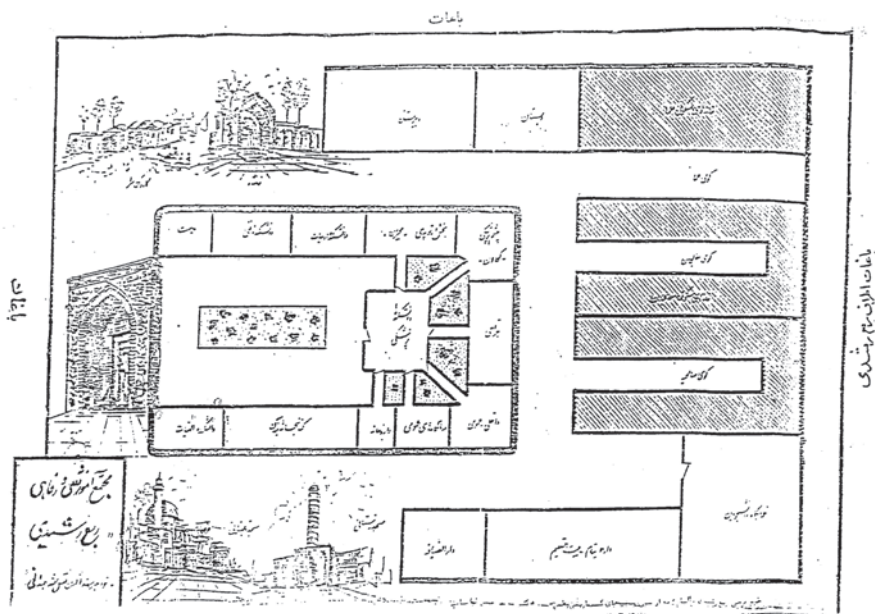
در این طرح مرکزیت مجموعه با دانشکده پزشکی (رواق‌المرتبین) است؛ حال آنکه مقبره و روضه، فضای اصلی ربع است. همچنین دیگر کاربری‌ها کاملاً بدون مرز و به صورت متداخل در نظر گرفته شده است که بر اساس متن وقفنامه، چنین طرحی بعید می‌نماید. در پیش‌طرح‌ها و تصاویری که ارائه شده، مشکلاتی دیده می‌شود که نیازمند بررسی‌ای جدی‌تر است. از آن جمله این موارد را می‌توان ذکر کرد:

طرح «سردر» مجموعه صحیح نیست و تنها یک در ورودی در نظر گرفته شده است (ص ۱۸۴، ص ۱۸۶، ص ۱۸۹). سردر ترسیمی حتی به لحاظ شکلی هم هماهنگی چندانی با درهای این دوره ندارد. برای مساجد تابستانی و زمستانی، دو بنای کاملاً جدا و دارای مناره در نظر گرفته شده است، اما بر اساس وقفنامه، این دو مسجد یکپارچه و فاقد مناره بوده‌اند (ص ۴۲) و اذان را در مناره‌های «درگاه مناره» سر می‌داده‌اند (ص ۱۲۸).<sup>۴۳</sup> از نکات مهم طرح لواسانی، قرارگیری شهر در میان باغ‌های پیرامونی بوده است که آنها را به صورت اجزای لاینفک ربع رشیدی — همچنان که در وقفنامه نیز از آن یاد شده — نشان داده است «ت ۹».

حال پس از نقد و بررسی طرح‌های فرضی ربع رشیدی، بر اساس متون تاریخی، به ویژه وقفنامه، به ارائه طرح فرضی این مجموعه در دو بخش «ربع» و «شهرستان» رشیدی می‌پردازیم.

## بازآفرینی «ربع» رشیدی

باب‌الابواب:<sup>۴۴</sup> برای شروع بازآفرینی سازمان فضایی مجموعه «ربع»، شاید بهترین نقطه ورودی اصلی این مجموعه، یعنی «باب‌الابواب» باشد. چنان که از نام آن بر می‌آید، باب‌الابواب، «شاه‌در» ربع رشیدی و در واقع سردرگاه بیرونی — یا به تعبیری



که دارالضیافه‌ها ضمیمه خانقاه بوده‌اند. با قرارگیری دارالضیافه مجاوران در کنار خانقاه، جای‌گیری آن و تشخیص جهت ایمن و ایسر منطقی می‌نماید.

درگاه مناره: «بابی» دیگر از مفتاح‌الابواب است. درگاهی است دوآشکوبه که در بالای آن غرفه‌هایی برای مهمانان خاص برپاست.<sup>۶۰</sup> این درگاه دارای دو مناره بلند است<sup>۶۱</sup> که با توجه به موقعیت قرارگیری‌شان در مجموعه «ربع» می‌توان آنها را همچون نمادهای شهری، نه فقط برای ربع رشیدی، بلکه برای شهر تبریز شمرد. نکته دیگر اینکه خود مسجد روضه مناره ندارد و لذا از این دو مناره برای گفتن اذان استفاده می‌کرده‌اند.

آن چنان که از متن وقف‌نامه استنباط می‌شود، پیش از اضافه شدن دارالضیافه‌ها و باروی جدید، این درگاه اولین درگاه بوده است. کوچه‌ای که به روضه ختم می‌شود، از درگاه مناره آغاز می‌گردد.<sup>۶۲</sup> در توضیح ویژگی معماری این کوچه باید گفت که احتمالاً سرپوشیده بوده است؛ چرا که توزیع نان در تابستان‌ها در فضای مفتاح‌الابواب و در زمستان‌ها در کوچه روضه صورت می‌گرفت. در طرح فرضی این کوچه «نیمه‌باز» فرض شده است.

خانقاه: با عبور از درگاه مناره، به کوچه روضه خواهیم رسید. تقسیمات فضایی مجموعه (خانقاه، دارالشفاء، روضه) از این کوچه است. پیش از توضیح فضای خانقاه، با توجه به قرار گرفتن «ساباط»<sup>۶۳</sup> در کوچه روضه و مابین ورودی خانقاه و دارالشفاء، تبیین مفهوم آن ضروری می‌نماید. ساباط در معماری سنتی به کوچه‌ای سرپوشیده می‌گویند؛ اما در ربع، ساباط کوچه‌ای در نظر گرفته شده که خانقاه و دارالشفاء را به هم مرتبط می‌سازد و بالای آن — از آنجا که دوآشکوبه است — تعدادی حجره هست که برخی از حیفاط در آنجا مسکن داشتند. با توجه به توضیحاتی که در وقف‌نامه می‌خوانیم، به نظر می‌رسد خانقاه نیز فضایی چهارایوانی و دوآشکوبه باشد. یکی از ایوان‌ها از بقیه بزرگ‌تر بوده<sup>۶۴</sup> و مراسمی چون سماع در آن صورت می‌گرفته است.

روضه باز می‌شود، می‌توان آن را نوعی «ورودی غیر مستقیم» دیگر فضاها (دارالشفاء و خانقاه و ...) دانست.

یکی از اصطلاحاتی که تا حدی ناآشناست، «فرجاب»<sup>۵۲</sup> است. آن چنان که از تجزیه این واژه برمی‌آید، معنای آن «مکانی مشرف به حضور آب است».<sup>۵۳</sup> در طرح فرضی، «فرجاب» حوضی در صحن مفتاح‌الابواب در نظر گرفته شده است.

دارالضیافه: پیرامون مفتاح‌الابواب (در جوانب ایمن و ایسر) قرار دارد. محل پذیرایی از مهمانان و ساکنان و کارگزاران ربع رشیدی و دارای دو آشکوب با مطبخ و بیت‌الحوایج بوده است.<sup>۵۴</sup> از متن وقف‌نامه برمی‌آید که سراچه‌ها و حجره‌ها در آشکوب بالایی آن بوده است.<sup>۵۵</sup> با توجه به معنای بیت‌الحوایج (انبار ذخیره مواد غذایی)، در طرح پیشنهادی این انبارها همان انبارهایی در نظر گرفته شده است که در وقف‌نامه با عنوان «انبارهای نزدیک دیوار بیرونی»<sup>۵۶</sup> یاد شده‌اند. چنان که گفتیم، دارالضیافه دارای دو بخش ایمن و ایسر بوده است: بخش ایمن مخصوص مجاوران و بخش ایسر مخصوص مسافران. «ایمن» و «ایسر» دو واژه کلیدی است که در سراسر وقف‌نامه در توضیح مکان فضاها به کار رفته است. هر چند معیار جهت آن چنان واضح نیست، چنین می‌نماید که معیار تشخیص جهت ایمن و ایسر (راست و چپ)، ورودی کل مجموعه یا درگاه اولین باشد.

دارالضیافه‌ها دهلیزهای بیرونی و اندرونی دارند.<sup>۵۷</sup> از آنجا که در وقف‌نامه سخنی از صحن یا حیاطی مخصوص دارالضیافه به میان نیامده، این فضاها را در طرح فرضی سرپوشیده در نظر گرفته‌ایم. با توجه به این عبارت وقف‌نامه: «جهت دارالضیافه از ابواب البر اولیش نبوده»<sup>۵۸</sup>، به نظر می‌رسد که دارالضیافه ایمن و ایسر در مرحله دوم ساخت و سازهای ربع رشیدی احداث شده است. همچنین در وقف‌نامه آمده که طبخ غذا ابتدا در مطبخ خانقاه انجام می‌گرفت، ولی از آنجا که خانقاه می‌بایست مکانی پاکیزه می‌بود و طبخ و تبادل غذا باعث آلودگی آن می‌شد، دارالضیافه‌ها و مطبخ آنها ساخته شد.<sup>۵۹</sup> بدین‌سان می‌توان گفت

۳۳. [...] که این ربع رشیدی عبارت از دو موضع است که یکی پیش‌تر بنیاد رفته بود و باروی آن کشیده و آن را درگاهی ساخته که منارها متصل آن درگاه است و یکی دیگر پس‌تر بارو کشیده و اضافه آن بارو اولین کرده و متصل آن گردانیده و دروازه دیگر بیرون آن ساخته و همه به هم یکی کرده و آن مجموع را ربع رشیدی نام نهاده‌ایم» (ص ۴۱). «در تابستان در موضعی که آن را مفتاح‌الابواب می‌گویند و آن صحن درگاه مناره و دارالضیافه است و در زمستان در دهلیز روضه که بالای آن دهلیز مسکن ناظر که مانند نایب متولی است فرو گیرند» (ص ۱۶۰). «جهت مفتاح‌الابواب و آن صحن درگاه مناره و درگاه دارالضیافه است» (ص ۱۶۸).

۳۴. شیلا بلر، همان، ص ۵۰.

۳۵. همان، ص ۴۹ و ۵۰.

۳۶. «جهت دهلیز روضه دو قندیل [...]». «جهت روضه به دو جانب هر یک یک مشعله [...]».

۳۷. «در معماری اتاق بزرگی است که در وسط ساختمان قرار دارد و اطراف آن را دیگر فضاها می‌گیرند. به آن اتاق بزرگ نیز گویند»؛ نک: محمد کریم پیرنیا، سبک‌شناسی معماری ایران، تدوین غلام‌حسین معاریان، تهران، پژوهنده، ۱۳۸۲، ص ۳۵۵.

۳۸. «مسکن [...] که او همانند نایب متولی است و آن بر سردرگاه روضه است از جانب ایسر» (ص ۴۳). [...] و آن دو سرای است. در آن یکی در آن دیگر بوده و هر دو معروف‌اند به دارالمتولی یا مرفق تحتانی و فوقانی و زیرزمین که در آنجاست و



خرانهٔ نقود و اجناس در آنجا باشد» (ص ۱۷۵). «در تابستان در موضعی که آن را مفتاح‌الابواب می‌گویند و آن صحن درگاه مناره و دارالضیافه است و در زمستان در دهلیز روضه که بالای آن دهلیز مسکن ناظر که مانند نایب متولی است فرو گیرند [...]» (ص ۱۶۰).

۳۹. بلر، همان، ص ۵۶.  
۴۰. «مسکن متولی [...] و آن سرایی و حجره‌ای است متصل به هم و دارالکتب و مخزن هر دو آنجاست» (ص ۴۳).

۴۱. «آنک در تمامت شب‌های سال هر شب از اول نماز شام تا بامداد یک عدد شمع [...] در موضعی که شبکهٔ قبلی قبه بر آن نهاده و خارج آن قبه بر در شبکهٔ مذکور صفة کوچک ساخته‌ایم تا حفاظ که قرآن به نوبت می‌خوانند در آنجا می‌نشینند بنهند» (ص ۱۶۴). «بر در آن شبکهٔ مذکور که آن برابر محراب مسجد جامع است» (ص ۱۳۵).

۴۲. بلر، همان، ص ۵۷.  
۴۳. «دیگر مسجد شتوی و آن گنبدی است که متصل صفة صدر است» (ص ۴۲). «[...] از برای دو مؤذن که در اوقات صلوات مفروضات بر منارها که بر درگاه ربع رشیدی ساخته بانگ نماز گویند» (ص ۱۲۸).

۴۴. «و باب‌الابواب آن است که پیش از این در باغ رشیدآباد آنجا بود و در آنجا به جانب بالا بر ممر ربع رشیدی می‌باشد» (ص ۱۸۹).

۴۵. «بواب درگاه بیرونی یعنی درگاه اولین ربع رشیدی» (ص ۱۸۴).

۴۶. «این ربع رشیدی عبارت از دو موضع است که یکی پیش‌تر بنیاد رفته بود و باروی آن کشیده و آن را

در وقفنامه آمده، در مجاورت زمینی دراز است که باغچه نام دارد.<sup>۷۱</sup> در وقفنامه از مکان دقیق طنپی یاد نشده است. جای‌گیری آن در این طرح بر اساس شرایط اقلیمی و جغرافیایی و بهترین مکان ممکن صورت گرفته است.

روزنه‌الحیات حجره‌ای کوچک در طبقهٔ بالای خانقاه است. این فضا شاه‌نشین تاب‌خانه است.<sup>۷۲</sup> ممر خانقاه، خانقاه را به درگاه مناره و درگاه روضه مرتبط می‌سازد که ظاهراً همان کوچهٔ روضه است. شماری «سقایه» نیز در این ممر بوده است.<sup>۷۳</sup>

دارالشفای جایی برای پذیرش و رسیدگی به بیماران، آموزش طب به متعلمان، و تهیهٔ دارو بوده و از فضاهای اصلی و مهم ربع رشیدی به شمار می‌رفته است. مطابق وقفنامه فضاهای دارالشفای بدین قرار بوده است: دارالشفای، شراب‌خانه، مخزن ادویه، ۷۴. ظاهراً دارالشفای خود بخشی از همین مجموعه است. دارالشفای فضایی دو یا چهارایوانی و دوآشکوبه است.<sup>۷۵</sup> از آنجا که بناهای این دوره عموماً چهارایوانی بوده است،<sup>۷۶</sup> این فضا را چهارایوانی در نظر گرفته‌ایم.

از متن وقفنامه چنین برمی‌آید که پیرامون دارالشفای رواق‌هایی وجود داشته است.<sup>۷۷</sup> در مقابل یکی از ایوان‌های دارالشفای شبکه‌ای بوده که بیماران از پشت آن داروهایشان را می‌گرفته‌اند.<sup>۷۸</sup> گویا این شبکه همانند شبکه‌ای بوده که در دارالحفاظ وجود داشته است. دارالشفای رواقی داشته که از سمت جنوب نزدیک شبکه بوده است. این رواق را «رواق‌المرتبین» می‌خوانده‌اند و آموزش طب به متعلمان در آن انجام می‌گرفته بوده و مسکن طبیب هم بدان متصل بوده است. مطبخ و گلاب‌خانه و مسکن برخی از کارکنان در این رواق قرار داشته است.<sup>۷۹</sup> داروخانه تا درگاه اولین روضه دارای «ممری» بود<sup>۸۰</sup> که در طرح حاضر همان کوچهٔ روضه در نظر گرفته شده است.

از آنجا که در بخشی دیگر از وقفنامه آمده است که دهلیز خانهٔ متولی و رواق‌المرتبین برای روشنایی دارای یک قندیل است،<sup>۸۱</sup> به نظر می‌رسد ارتباطی نزدیک میان این رواق و خانهٔ

مطبخ خانقاه نزدیک ایوان بزرگ و راه آن در زمستان‌ها — زمانی که «سرما سخت گردد» — از پشت ورودی خانقاه بوده که به حجرهٔ مطبخ نیز ختم می‌شده است.<sup>۶۵</sup> البته بعد از احداث مطبخ‌های دارالضیافه، از این مطبخ به جای انباری استفاده می‌کردند؛ مگر اینکه دو مطبخ دیگر نیازشان را برمی‌آورد. همچنین می‌توان استنباط کرد که پشت ایوان بزرگ، زمینی دراز وجود داشته که روشنایی ایوان از آن تأمین می‌شده است.<sup>۶۶</sup> با توجه به اینکه ایوان معمولاً فضایی نیمه‌باز و مشرف به صحن است، اغلب روشنایی آن از طریق صحن (فضای باز مقابل) تأمین می‌شود؛ در حالی که با توجه به عبارت: «قدری زمین دراز که اسم باغچه دارد در پس آن تاب‌خانه روشنایی آن از آن است و روشنایی صفة سراچه همچنین»، می‌بینیم که روشنایی صفة از همان زمین‌های دراز یا باغچه‌ای است که در پشت آن قرار دارد. لذا چنین تصور می‌شود که صحن خانقاه باز نیست، بلکه مسقف است. البته شایان توجه است که چنین فضایی را — که بی‌تردید بزرگ بوده است — نمی‌توانسته‌اند با سطح صاف و مسطح مسقف کنند. بنا بر این، می‌بایست پوشش آن گنبدی — شکل می‌بود. در وقفنامه سخنی از گنبد خانقاه به میان نیامده است.<sup>۶۷</sup> با توجه به این شواهد، صحن خانقاه را در طرح فرضی رویاز در نظر گرفته‌ایم و سایر جاگذاری‌ها و مکان‌یابی فضاهای مختلف مانند تاب‌خانه، ایوان بزرگ، مطبخ، و سراچهٔ شیخ بر اساس متن وقفنامه انجام پذیرفته است. سراچهٔ شیخ در دهلیز مقابل مطبخ و در آشکوب زیرین واقع است.<sup>۶۸</sup> از متن وقفنامه برمی‌آید که این سراچه را نقاشی کرده بودند.<sup>۶۹</sup>

تاب‌خانه و مطبخ خانقاه متصل به ایوان بزرگ بوده است. در خانقاه «ربع» سه فضا دارای شاه‌نشین است: طنپی، تاب‌خانه، و ایوان بزرگ.<sup>۷۰</sup> اما طنپی و ایوان بزرگ دو فضای مربوط به خانقاه بوده‌اند؛ چرا که خانقاه نیز مانند دیگر بناهای سنتی ایران دو بخش تابستانی و زمستانی داشت. طنپی اتاق تابستانی و تاب‌خانه اتاق زمستانی آن بود. جای‌گیری تاب‌خانه، چنان که

درگاهی ساخته که منارها متصل آن درگاه است و یکی دیگر پس تر بارو کشیده و اضافه آن بارو اولین کرده و متصل آن گردانیده و دروازه دیگر بیرون آن ساخته و همه به هم یکی کرده و آن مجموع را ربع رشیدی نام نهاده‌ایم» (ص ۴۱).

۴۷. «از مردمان متمیز باشند؛ یعنی باخادم و بامرید به هم باشند. پس ایشان را در غرف‌ها فرو آرند که در غلام‌گردش آشکوب بالاین مفتاح‌الابواب است و بر سردرگاه بیرونی ربع رشیدی به جانب شرقی و شمالی، غیر آنچه بر بالای دارالضیافه و حوایج‌خانه و مطبخ است» (ص ۱۴۲).

۴۸. «از تابستان در موضعی که آن را مفتاح‌الابواب می‌گویند و آن صحن درگاه مناره و دارالضیافه است و در زمستان در دهلیز روضه که بالای آن دهلیز مسکن ناظر که مانند نایب متولی است فرو گیرند» (ص ۱۶۰).

۴۹. «سراچه‌ها که بر سردرگاه بیرونی ربع رشیدی است و چهارصفه‌ها که بر غلام‌گردش است متصل فرجاب که روی با مفتاح‌الابواب دارد» (ص ۱۹۶).

۵۰. «جهت مفتاح‌الابواب و آن صحن درگاه مناره و درگاه دارالضیافه است» (ص ۱۶۸).

۵۱. «مفتاح‌الابواب [...] و ممر بیرونی و اندرونی و دارالضیافه ایمن و ایسر و ممر مواضع در آنجاست» (ص ۱۹۵). «سقا خانقاه و مجاوران حجرها و مطبخ آن و مجاوران ساباط خانقاه و ممر آن تا درگاه روضه و درگاه مناره و سقایه که در آن ممر است» (ص ۱۸۹). «سقا دارالضیافه و مطبخ آن و مجاوران و مسافران آن و مفتاح‌الابواب تا درگاه اولین ربع

متولی وجود داشته است. از طرفی هم برای ممر کوچه مشرف و رواق‌المرتبین یک چراغ در نظر گرفته بوده‌اند.<sup>۸۲</sup> بنا بر این، می‌توان نتیجه گرفت که رواق‌المرتبین بین دو کوچه متولی و مشرف قرار داشته است.

مسکن طیب جنب دارالشفاف و در جانب ایمن است.<sup>۸۳</sup> همچنین این فضا به رواق‌المرتبین متصل است. اگر جهت ایمن بر اساس ورودی مشخص شود، پس مسکن طیب در کنار رواق‌المرتبین و در جانب راست بوده است. مسکن متعلمین علم طب در حجره‌های پایین و در «پشت حوالی داروخانه» است.<sup>۸۴</sup> چنین می‌نماید که این حجره‌ها را رو به بیرون به سمت کوچه روضه ساخته بوده‌اند، نه رو به حیاط دارالشفاف؛ چون این حجره‌ها در پشت داروخانه قرار دارند و از طرفی در وقف‌نامه از دهلیز داروخانه یاد شده است.<sup>۸۵</sup> داروخانه به سمت کوچه روضه و دهلیز مذکور ارتباط‌دهنده فضای بیرونی و درونی دارالشفاف بوده است. بدین‌سان، حجره‌های متعلمین نیز رو به کوچه روضه داشته‌اند.

سرای مشرف: توضیح کاملی درباره چگونگی فضای سرای مشرف در وقف‌نامه نیامده است. تنها چهار فضای مجاور سرای مشرف ذکر شده است که عبارت‌اند از: دارالشفاف، کوچه سرای متولی، بارو، کوچه‌ای که به روضه می‌رود.<sup>۸۶</sup> یکی از نکات کلیدی‌ای که ما را در جانمایی سرای مشرف یاری می‌دهد و در وقف‌نامه هم آمده، این است که این سرا خود دارای کوچه است؛<sup>۸۷</sup> از این رو نمی‌توان آن را در کوچه متولی جاگذاری کرد. اگر سرای متولی را پشت دارالشفاف در نظر بگیریم، کوچه‌ای که به سمت روضه می‌رود، همان کوچه مشرف در نظر گرفته می‌شود (کوچه متولی و کوچه مشرف مجزا هستند).

سرای متولی: این خانه سرا و حجره‌ای متصل به هم است که ورودی یکی در دیگری است.<sup>۸۸</sup> سرای متولی احتمالاً دوطبقه و دارای زیرزمین بوده است.<sup>۸۹</sup> در این سرا «دارالکتب» و «مخزن» هم وجود داشته است.<sup>۹۰</sup> بر اساس وقف‌نامه، جانمایی سرای متولی را در «ربع» می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

از آنجا که سرای متولی متصل به روضه است و این خانه و رواق‌المرتبین دارای ارتباطی نزدیک‌اند،<sup>۹۱</sup> باید بین این دو فضا، یعنی روضه و رواق‌المرتبین، استقرار یابد. بین این سرا و دارالشفاف کوچه‌ای مد نظر است (کوچه متولی).<sup>۹۲</sup> محتمل است که دارالشفاف و این کوچه با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. یکی از واژگان وقف‌نامه در خصوص این فضا، «درسر» است.<sup>۹۳</sup> با توجه به قراین، به نظر می‌رسد مکانی مانند درگاه باشد که البته فضایی معین است؛ چنان‌که ورودی خانه متولی و چاه خانه در آن جا قرار دارد. «درسر» در طرح فرضی، به عنوان یک فضا و در ابتدای کوچه (متولی) در نظر گرفته شده است.

سرای ناظر و سردرگاه‌های روضه: روضه دارای دو «سردرگاه» ایمن و ایسر بود.<sup>۹۴</sup> توضیحات وقف‌نامه درباره این دو درگاه به دو صورت متفاوت بیان شده است. در بخش‌هایی درگاه ایمن به عنوان «درگاه اولین» روضه معرفی شده که نزدیک سرای متولی است. از طرفی دیگر، از این درگاه که محل پخش نان در زمستان نیز بوده، با عنوان «درگاه ایسر» یاد شده است. از آنجا که محل سرای ناظر بر بالای درگاه ایسر و دهلیز روضه بیان شده است، در طرح حاضر درگاه روضه را از سمت کوچه روضه «درگاه ایسر» در نظر گرفته‌ایم که در این صورت سرای متولی، مشرف، و ناظر در یک محدوده قرار می‌گیرند. گفتنی است که با توجه به توضیحات وقف‌نامه، استقرار «درگاه ایمن» در انتهای کوچه روضه نیز می‌تواند گزینه‌ای دیگر برای طرح روضه باشد.

روضه: به جرأت می‌توان گفت «روضه» مهم‌ترین بخش «ربع» است؛ فضایی چهارایوانی و دارای فضاهای مسجد صیفی و شستوی و دارالتعلیم ایتمام و دارالمصاحف و کتب‌الحديث و قبه (مقبره)<sup>۹۵</sup> و تعدادی حجره.

مسجد صیفی: این مسجد که یک ایوان دارد، در واقع بزرگ‌ترین ایوان روضه است.<sup>۹۶</sup> این مسئله خود نشان‌دهنده چهارایوانی بودن روضه است؛ چرا که دو ایوان مربوط به درگاه

رشیدی و سقایه‌ها که در دور ساخته آمده» (ص ۱۸۹).

۵۲. زین‌الدین محمود واصفی در *بدایع الوقایع* واژه «پرخاب» را در این جمله به کار برده است: «مردک به گرم‌خانه درآمد و از پیش ما گذشته متوجه پرخاب شد. چون سر در درون آبخور کرد [...]» (ج ۲، ص ۲۲۸). گویا پرخاب چیزی حوض‌مانند بوده است. به باور ایرج افشار این کلمه همان «فرجاب» مذکور در وقف‌نامه است؛ نک: ایرج افشار، «تاریخ معماری در ایران بر اساس متون فارسی»، در: *رواق*، سال اول (پاییز ۱۳۷۷)، ص ۴۱-۴۷.

۵۳. بلر، همان، ص ۶۵.  
۵۴. «بدان سبب این دارالضیافه با مطبخ و حوایج‌خانه و مرافق تحتانی و فوقانی جدیگانه بیرون خانقاه ساخته آمد» (ص ۱۲۸).

«همچنان جهت طبخ مائده سفره خانقاه سه مطبخی معین کرده بودیم و اکنون دو مطبخ بیرون خانقاه متصل دارالضیافه احداث کردیم» (همان‌جا).

۵۵. «از مردمان متمیز باشند یعنی باخادم و بامرید به هم باشند. پس ایشان را در غرف‌ها فروآرند که در غلام‌گردش آشکوب بالاین مفتاح‌الابواب است و بر سردرگاه بیرونی ربع رشیدی به جانب شرقی و شمالی غیر آنچه بر بالای دارالضیافه و حوایج‌خانه و مطبخ است» (ص ۱۴۲).

۵۶. در توضیح برخی از انبارها آمده است: «و بعضی عمارات که در دور بیرونی گفتیم پس‌تر ساخته شده» (ص ۴۳).

۵۷. «[...] دهلیز بیرونی دارالضیافه

چهارایوانی است که ارتفاع ایوان‌هایش یکسان نیست. ایوان مسجد تابستانی بزرگ‌ترین ایوان و ایوان قبه کوچک‌تر از آن است. به ارتفاع دو ایوان دیگر اشاره‌ای نشده است.

قبه قبلی (ص ۱۶۴): قبلی در لغت منسوب به قبله است (جنوبی) و به سبب اعتقادات دینی خواجه رشیدالدین، قبه که محل دفن اوست، قبلی است (رو به سوی قبله دارد). پس مسجد جامع که همان صفة صدر است، روبه‌روی دارالحفاظ واقع است.<sup>۱۰۲</sup> به این ترتیب، محور شمالی - جنوبی همان خطی است که دارالحفاظ را به صفة صدر (مسجد جامع) متصل می‌سازد. صفة صدر در جنوب و دارالحفاظ (مقبره) در شمال واقع شده‌اند.

دارالمصاحف و کتب‌الحديث: در این مکان «مصحف مجید» (قرآن) و جامع‌الاصول فی احادیث‌الرسول را کتابت می‌کردند. این فضا در کنار مسجد شتوی قرار گرفته است.<sup>۱۰۴</sup> دارالمصاحف علاوه بر اینکه دری به صحن روضه داشته، با توجه به شواهد، احتمالاً دری هم در کوچه‌ای داشته که در وقف‌نامه از آن با نام «کوچه دارالمصاحف» یاد شده است.<sup>۱۰۵</sup> این کوچه را در طرح فرضی در پشت روضه در نظر گرفته‌ایم.

بيت‌التعليم ایتم: مکانی بود که معلمی به ده یتیم آموزش قرآن میداد. مسکن این معلم نیز در همین مکان بود.<sup>۱۰۶</sup> این فضا حجره‌ای بزرگ در آشکوب پایین و حوالی صفة بزرگ (مسجد شتوی) بوده است. این حجره بزرگ‌ترین حجره روضه است به طول ۱۰ گز و عرض ۷ گز (حجره کوچک دیگری هم بدان متصل است که همان خانه معلم محسوب می‌شود).<sup>۱۰۷</sup>

حمام: تنها از توصیف زیرزمین می‌توان به مکان حمام پی برد (زیرزمین در کنار گنبد و روبه‌روی حمام است).<sup>۱۰۸</sup> کیفیت فضای حمام به هیچ روی مشخص نیست. مکان آن در حوالی گنبد و ورودی آن مقابل ورودی زیرزمین است و از آنجا که در دو جانب گنبد دارالکتب واقع است، به نظر می‌رسد که زیرزمین

ایمن و ایسر و دو ایوان دیگر مربوط به مسجد و قبه (مقبره) خواهند بود.

این مسجد، مسجد جامع شهرستان رشیدی و روستاهای اطراف آن است.<sup>۹۷</sup> به این ایوان «صفة صدر» می‌گویند که دارای منبر و محراب است (ص ۱۲۸). در تابستان مراسم مذهبی و نماز را در این ایوان (صفة صدر) برگزار و در صورت کمبود جا از صحن روضه و دیگر ایوان‌ها استفاده می‌کرده‌اند.

مسجد شتوی: مسجد شتوی گنبدی داشته که این گنبدخانه مسجد زمستانی روضه بوده است.<sup>۹۸</sup> در زمستان نماز را در این مکان برگزار می‌کرده‌اند. دکتر سعیدنیا در طرح خود گنبد را در جانب چپ صفة صدر در نظر گرفته است؛<sup>۹۹</sup> چون در عبارت «در یسار داخل مسجد صیفی»، «یسار» را با کسره خوانده است. در معماری اسلامی و نمونه‌هایی با طراحی قبلی، گنبد در کنار ایوان قرار نرفته (جز در مسجد جامع نطنز و مسجد گز اصفهان که ساخت بناها در چند دوره صورت گرفته است و به علت پیش آمدن برخی محدودیت‌ها در ساخت و سازهای بعدی، شاهد از بین رفتن برخی از اصول معماری ایرانی هستیم)، بلکه عموماً در پشت آن واقع است؛ مگر در مسجد گوهرشاد و تربت شیخ جام که گنبد روی ایوان قرار گرفته است. در حالی که اگر جمله ذکر شده را چنین بخوانیم «در یسار، داخل مسجد صیفی»، مسجد می‌تواند درون صفة‌ای باشد که در یسار است. پس صفة صدر در یسار روضه و گنبد روی صفة واقع می‌شود (همانند مسجد گوهرشاد). البته همچنان جهت «یسار» بر اساس ورودی «اولین درگاه روضه» مشخص می‌شود.

دارالحفاظ: موضعی در مقابل شبکه قبه (مقبره) است.<sup>۱۰۰</sup> پس دارالحفاظ همان فضای زیر گنبد است. ایوان کوچکی جلو گنبد بوده و مابین صفة و گنبد «شبکه‌ای چوبین» قرار داشته است.<sup>۱۰۱</sup> سردابه که مدفن واقف است، زیر گنبد (پایین فضای دار الحفظ) قرار دارد.<sup>۱۰۲</sup> در وقف‌نامه از ایوان مقبره با عنوان «صفة کوچک» یاد شده است (ص ۴۱). بنا بر این، روضه فضایی

گرمابه‌ها در زیر زمین بسیار بهتر و راحت‌تر از روی زمین است. دیگر اینکه اقلیم تبریز سرد و کوهستانی است و از این رو گرم کردن فضای استحمام در زمستان‌های سرد منطقه در زیر زمین بسیار راحت‌تر و منطقی‌تر است.

سرابستان: بوستان سرا (باغ) است که در داخل روضه و پشت گنبد مسجد زمستانی است<sup>۱۰۹</sup> «ت ۱۰ و ۱۲»

## بازآفرینی «شهرستان» رشیدی

به منظور درک بهتر طرح «شهرستان» رشیدی، بخش‌های مختلف آن را در هفت قسمت بررسی و سعی خواهیم کرد بر اساس متن وقف‌نامه موقعیت هر یک از این بخش‌ها را، تا حد ممکن، مشخص کنیم.

### ۱. جهت شهرستان و نحوه استقرار شهر در

بر اساس توضیحات وقف‌نامه<sup>۱۱۰</sup> استقرار گنبد در جهت محور قبله مشهود است. با توجه به شطرنجی بودن بافت شهر و، مهم‌تر از آن، عمود بودن دو محور اصلی «ممر» و بازار که شکل‌دهنده بافت شهرستان رشیدی‌اند، «ممر» که به «ربع» می‌رسد در جهت محور قبله است. جهت‌گیری شهر رشیدی نسبت به تبریز شرقی - غربی با اعمال زاویه انحراف قبله است. گفتنی است که با این جهت‌گیری در طرح حاضر، همه ملاحظات اقلیمی شهر بررسی شده است که نتایج آن متناسب می‌نماید.

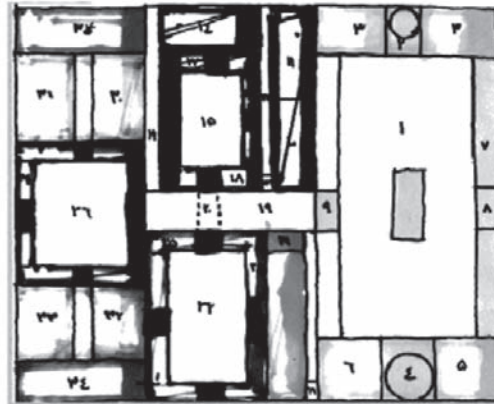
### ۲. دروازه‌ها

بر اساس متن وقف‌نامه، «شهرستان» رشیدی چهار دروازه داشته است بدین قرار: روم<sup>۱۱۱</sup>، تبریز<sup>۱۱۲</sup>، موغان<sup>۱۱۳</sup>، عراق<sup>۱۱۴</sup> با استفاده از نقشه موقعیت تبریز در دوره ایلخانی، تا حد زیادی می‌توان محل استقرار هر یک از این دروازه‌ها را مشخص کرد. این دروازه‌ها در چهار جهت اصلی شمال، جنوب، شرق، و غرب واقع بوده‌اند. بر اساس این نقشه و با مطالعه دقیق متن وقف‌نامه،

در زیر فضای دارالکتب و بهترین مکان برای حمام نیز زیرزمین باشد.

در جای‌گیری حمام‌ها در زیرزمین ربع رشیدی دو مسئله را - علاوه بر توضیحات وقف‌نامه - می‌توان در نظر گرفت که با توجه به منابع دیگر و ساخت و سازهای هم‌دوره، منطقی و صحیح می‌نماید. اول اینکه سوار شدن آب بر نظام آبرسانی

- ۱- صحن روضه
- ۲- قبه و دارالحفاظ
- ۳- دارالکتب (حمام در زیر زمین)
- ۴- مسجد جامع و مسجد ششوی
- ۵- بیت التحمیل ایام
- ۶- دارالصفای و کتب الحدیث
- ۷- حجره‌ها
- ۸- سردرگاه ایمن
- ۹- سردرگاه ایسر و مسکن ناظر
- ۱۰- سرای متولی
- ۱۱- صحن و بیت الکتب
- ۱۲- حجره متولی
- ۱۳- حجره و چاه خانه
- ۱۴- سرای مطوف
- ۱۵- صحن دارالشفاء
- ۱۶- مسکن طبیب
- ۱۷- رواق القریین
- ۱۸- دروازه خانه
- ۱۹- کوره روضه
- ۲۰- سازه
- ۲۱- کوره مطرف
- ۲۲- صحن خانقاه
- ۲۳- صحن بزرگ
- ۲۴- مطبخ
- ۲۵- اتاق شیخ
- ۲۶- مطبخ الآبواب
- ۲۷- درگاه شماره
- ۲۸- باب الآبواب
- ۲۹- سقاخانه
- ۳۰- دارالضیافه مسافران
- ۳۱- مطبخ دارالضیافه مسافران
- ۳۲- دارالضیافه مجاوران
- ۳۳- مطبخ دارالضیافه مجاوران
- ۳۴- تپار



- ۱- ربع رشیدی
- ۲- باغ رشید آباد
- ۳- باغ اصلان
- ۴- باغ فتح آباد
- ۵- بازار
- ۶- ممر بزرگ
- ۷- حمام بالا
- ۸- محلی شهرستان
- ۹- کاغذخانه
- ۱۰- مسجد جامع شهرستان
- ۱۱- کارگاه
- ۱۲- صحنه لطیف آباد
- ۱۳- محلات زیر لطیف آباد
- ۱۴- صحنه صالحیه
- ۱۵- ریض بالا
- ۱۶- ریض پایین
- ۱۷- محله عز آباد
- ۱۸- دروازه روم
- ۱۹- دروازه موغان
- ۲۰- دروازه تبریز
- ۲۱- دروازه عراق





مسافران [...]» (ص ۱۸۵). «جهت دارالضیافه جانب ایمن و ایسر و دهلیزهای آن [...] هشت قندیل» (ص ۱۶۷).

۵۸. «[...] و اکنون سفره جهت اهل خانقاه در جانب ایمن از آن دارالضیافه می‌اندارند. بدان سبب این دارالضیافه با مطبخ و حوایج‌خانه و مرافق تحتانی و فوقانی جدیگانه بیرون خانقاه ساخته آمد. جهت دارالضیافه از ابواب‌البر اولیش نبوده» (ص ۱۲۸).

۵۹. «لکن خانقاه چون موضعی نزه و پاکیزه است و به سبب سفره انداختن جهت مجاوران و مسافران در آنجا خانقاه چرکین می‌شد و حل خود به زیان می‌آمد و از طهارت بیرون می‌رفت، به سبب پای‌افزارهای نجس در آنجا بردن. بدان سبب این دارالضیافه با مطبخ و حوایج و مرافق تحتانی و فوقانی جدیگانه بیرون ت ۱۲. «ربع» رشیدی. ترسیم نگارنده

این باغ در شمال «شهرستان» و نسبت به کل آن در ارتفاعی بالاتر قرار داشته است.<sup>۱۱۷</sup> همچنین از متن وقف‌نامه برمی‌آید که باغ فتح‌آباد در کنار دروازه عراق قرار داشته است.<sup>۱۱۸</sup> از آنجا که دروازه عراق در جنوب شهرستان واقع است، باغ فتح‌آباد را نیز در جنوب جاگذاری کردیم.

### ۵. موقعیت «ربع» در شهرستان

با توجه به توضیح «دهلیز بزرگ» در وقف‌نامه، به این نتیجه می‌رسیم که «سردر» بیرونی «ربع» رشیدی در ممر بزرگ قرار گرفته و به آن متصل است. از طرفی، در وقف‌نامه ذکر شده که برای رسیدن به سردر «ربع» رشیدی «از بازار می‌گذرند و بر آنجا به بالا می‌روند تا به دروازه ربع رشیدی می‌رسد».<sup>۱۱۹</sup> بدین‌سان، «ربع» در بخش شمالی شهرستان و بالاتر از بازار قرار می‌گیرد.

در واقع، به نظر می‌رسد «ربع» رشیدی به سبب اهمیت خاصش، در کنار تقاطع دو محور اصلی شهرستان، یعنی ممر بزرگ و بازار، جای گرفته است. پرسش این است که سردر «ربع» در سمت چپ ممر بزرگ قرار داشته است یا سمت راست

نتیجه می‌گیریم که دروازه روم در شمال، دروازه تبریز در غرب، دروازه موغان در شرق، و دروازه عراق در جنوب «شهرستان» مستقر بوده‌اند. دروازه تبریز و موغان، محوری شرقی - غربی و دروازه عراق و روم، محوری شمالی - جنوبی در «شهرستان» ایجاد می‌کردند.

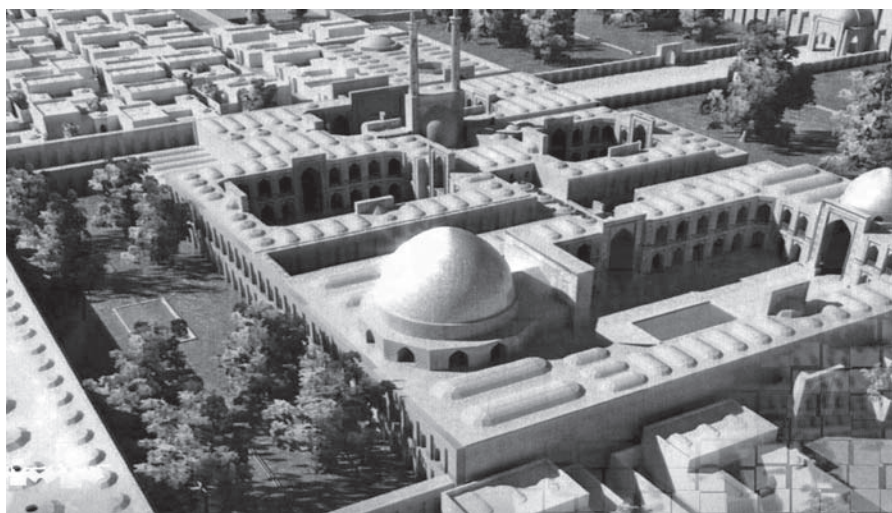
### ۳. ممر بزرگ و بازار

چنان‌که گفتیم، شهرستان دارای دو محور شمالی - جنوبی و شرقی - غربی بوده است. در وقف‌نامه ضمن توصیف محله صالحیه<sup>۱۱۵</sup> از «ممر بزرگ» به عنوان ممری که بر آن به بالا می‌روند و بازار به عنوان راهی که به «دروازه سرخاب» می‌رود، یاد شده است. همچنین با توجه به توصیفات «دهلیز» (ممر بزرگ)<sup>۱۱۶</sup> در وقف‌نامه، به نظر می‌رسد ممر بزرگ همان محور شمالی - جنوبی و بازار محور شرقی - غربی شهرستان باشد. با توجه به این نکته که کوه‌های سرخاب در شمال قرار دارند و شیب شهرستان تقریباً شمالی - جنوبی است (بخش شمالی مرتفع‌تر از بخش جنوبی است)؛ لذا منظور از عبارت «ممری که در آن به بالا می‌روند»، راهی است که به جایی مرتفع‌تر ختم می‌شود. بدین‌سان، می‌توان به شمالی - جنوبی بودن ممر بزرگ اطمینان یافت.

از سویی دیگر، با توجه به اینکه «دروازه سرخاب» در مسیر بازار قرار دارد و این دروازه از دروازه‌های شهر تبریز است، می‌توان گفت که بازار محور شرقی - غربی «شهرستان» را تشکیل می‌دهد؛ چنان‌که در یک سر آن دروازه تبریز و در سر دیگرش دروازه موغان قرار دارد.

### ۴. باغ رشیدآباد و فتح‌آباد

با توجه به اینکه در مباحث مربوط به مجاری آب در وقف‌نامه (فصل شانزدهم) آمده است که شماری از «مقسم»‌های آب «شهرستان» در باغ رشیدآباد مستقر بود، به نظر می‌رسد که



زیرین در ارتفاعی بالاتر قرار گرفته است. با توجه به جمله ذکر شده در صفحه ۲۱۳ وقف‌نامه، «روضه» در شرق ربض مستقر بوده است. به این ترتیب، می‌توان محل استقرار ربض را کنار «ممر بزرگ و ربع» در غرب شهرستان دانست.<sup>۱۳۲</sup>

محلۀ لطیف‌آباد: این محله از محلات جانب «ایمن» شهرستان است. به گونه‌ای که از متن وقف‌نامه بر می‌آید،<sup>۱۳۳</sup> در شهرستان جانب ایمن منطبق بر شرق و جانب ایسر منطبق بر غرب بوده است. در زیر این محله نیز محلاتی دیگر و همچنین قیصریه وجود داشته است. با توجه به این که فاضلاب این محلات به حوضی در دروازه موغان می‌ریخت، به نظر می‌رسد این محلات در مکانی نزدیک دروازه موغان باشند (بر همین اساس جهت ایمن و ایسر در شهرستان مشخص شده است).

مجموعه محلات عزآباد: این محلات و زمین‌هایی به نام زمین‌های پهلوان سعید، زیر پشته‌های سرخاب قرار داشته‌اند.<sup>۱۳۹</sup> احتمالاً زمین‌های پهلوان سعید وسعت زیادی داشته‌اند، تا جایی که شاید بخشی از آنها به بیرون از شهرستان رشیدی هم می‌رسیده است. بخشی از این محله در زیر پشته‌های سرخاب و محلات عزآباد در این زمین‌ها واقع بوده است. این محلات در نزدیکی دروازه روم قرار داشته‌اند.

#### ۷. سایر فضاها

الف. مسجد جامع شهرستان: با توجه به متن وقف‌نامه، این مسجد در نزدیکی دروازه تبریز قرار داشته است.<sup>۱۳۴</sup>  
 ب. مصلاي شهرستان: بر اساس توضیحات صفحه ۲۰۶ وقف‌نامه، به نظر می‌رسد «مصلا» نزدیک باغ رشیدآباد و زمین‌های پهلوان سعید بوده است.<sup>۱۳۵</sup> در طرح حاضر، این فضا را بین باغ و محلۀ عزآباد قرار داده‌ایم.  
 ج. دارالمساکین: با توجه به توضیحات صفحه ۱۳۹ وقف‌نامه، در بازار شهرستان رشیدی واقع بوده و در آنجا غذای مسکینان را آماده می‌کرده‌اند؛<sup>۱۳۶</sup> اما مکان دقیق آن مشخص نیست.

آن؟ مکتوب ۵۳ از مکاتیب رشیدی معیار تعیین‌کننده موقعیت «ربع» است. در این مکتوب، باغ رشیدآباد<sup>۱۳۰</sup> متصل به دارالشفای ذکر شده است. از آنجا که باغ رشیدآباد در شمال «شهرستان» واقع است، «ربع» باید به گونه‌ای در شهرستان جای گیرد که دارالشفای در شمال استقرار یابد. به این ترتیب، «سردرگاه» بیرونی ربع رشیدی در سمت راست «ممر بزرگ» قرار خواهد گرفت.

#### ۶. محلات

در متن وقف‌نامه از برخی محلات خاص یاد شده و توصیف برخی از آنها آمده است. احتمالاً محلات شهرستان رشیدی محدود به این چند محله نبوده، اما از آنجا که فقط موقعیت برخی از آنها توصیف شده است، ما نیز در این طرح فرضی، به موقعیت‌یابی همین محلات اکتفا می‌کنیم.

محلۀ صالحیه: مطابق متن وقف‌نامه، محله‌ای است که جماعت «اهل صلاح»، که مجاوران و ملازمان ربع رشیدی‌اند، در آن مسکن دارند. با توجه به توصیفات این محله در وقف‌نامه و نیز مطالب ذکر شده در بخش مجاری آب‌ها و نحوه آبرسانی محله، در می‌یابیم که احتمالاً محلۀ صالحیه پایین‌تر از بازار و «ربع» رشیدی و در کنار ممر بزرگ قرار گرفته است.<sup>۱۳۱</sup>

ربض: این واژه در شهرهای کهن دارای جایگاه و مفهومی خاص است. در واقع «ربض» به بخش‌هایی از محدوده شهر می‌گفتند که مردم عادی در آن مسکن داشتند. در شهرستان رشیدی هر چند ما با چنین نامی روبه‌رو می‌شویم، با مطالعه دقیق وقف‌نامه در می‌یابیم که «ربض» مفهوم پیشین خود را از دست داده است و شاید خود یکی از محلات شهرستان باشد؛ محله‌ای که هم شماری از متنفذان شهر مانند متولی و مشرف و سه نفر سرهنگ در آن مسکن دارند و هم گروهی از غلامان باغ‌ها (ص ۱۷۵ و ۱۹۲). ربض به دو بخش «بالاین» و «زیرین» تقسیم شده است. به نظر می‌رسد معنای بالاین و زیرین، وجود فراز و شیب در شهرستان باشد. ربض بالاین نسبت به ربض

خانقاه ساخته آمد» (ص ۱۳۸).  
 ۶۰ «... [موضعی که میان دو مناره بر سردر ربع رشیدی است» (ص ۱۹۶).  
 ۶۱ «... [از برای دو مؤذن که در اوقات صلوات مفروضات بر منارها که بر درگاه ربع رشیدی ساخته بانگ نماز گویند» (ص ۱۲۸).

۶۲ «سقای خانقاه و مجاوران حجره‌ها و مطبخ آن و مجاوران ساباط خانقاه و ممر آن تا درگاه روضه و درگاه مناره و سقایه که در آن ممر است» (ص ۱۸۹).

۶۳ «حجره‌ها که نزدیک در خانقاه است جهت مسکن حفاظ، معروف به حجره‌های ساباط» (ص ۴۳).

۶۴ «و باید که حجره و مرفاق آن عظیم پاک دارند و مردم نامتمد و فاسق را پیش خود نگذارند و با ایشان صحبت نوزند و چون زمستان باشد و سرما سخت گردد، صفه بزرگ که در مطبخ بود با حجره به هم از آنجا باز بریده شده و راه آن در پس در خانقاه کرده و ممر آن هم بدان حجره مطبخ است، به اتفاق آنجا روند و هر یک جهت خود تنوری کوچک بسازند تا آنجا گرم شوند و آتش کنند» (ص ۱۷۴).

۶۵ «چون زمستان باشد و سرما سخت گردد، صفه بزرگ که در مطبخ بود به حجره به هم از آنجا باز بریده شده و راه آن در پس در خانقاه کرده و ممر آن هم بدان حجره مطبخ است، به اتفاق آنجا روند» (ص ۱۷۴).

۶۶ «در سرایچه‌ای که برابر مطبخ خانقاه است، تاب‌خانه‌ای هست که دیوار آن با دهلیز خانقاه دارد در آن در این تاب‌خانه کنند و دری که با صفه دارد آن را با اجر بگیرند [...]»

ت ۱۳. «شهرستان» رشیدی.  
ترسیم نگارنده

قدری زمین دراز که اسم باغچه دارد در پس آن تاب‌خانه و روشنایی آن از آن است و روشنایی صفة سراج به همین» (ص ۱۷۸).

۶۷ علاوه بر پیشینه استفاده از سقف‌های سبک و چادری در ایران که به دوره هخامنشی باز می‌گردد، در دیوار بسیاری از بناهای آجری به هنگام احداث بنا یا زدن سقف‌های سبک بعد از اتمام بنا، سوراخ‌هایی برای بستن داربست ایجاد می‌شد.

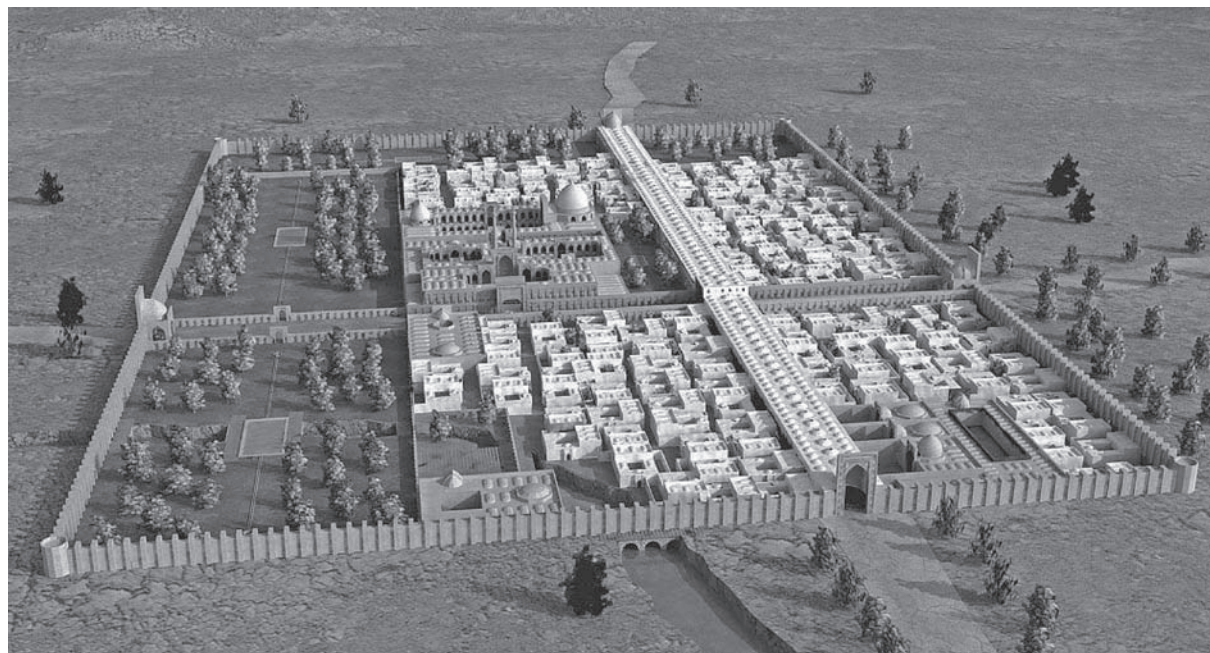
۶۸ «سراجة نقاشی کرده که در دهلیز خانقاه برابر مطبخ است، آشکوب زیرین غیر بالابین و [...] خانه‌ای که بر صفا دارد، از جانب شرقی و در آن در صفا است [...] یک دیوار آن با باغچه است [...] در آن تاب‌خانه از آن باغچه صفا باشد» (ص ۱۷۷).

۶۹ «سراجة بالا [...] سراج‌های که شیخ در آن باشد در خانقاه» (ص ۱۹۶).

۷۰. «شاهنشاهی خانقاه، سه موضع: از آن صفا، از آن طنبی، از آن تاب‌خانه» (ص ۱۹۶).

۷۱. «[...] قدری زمین دراز که اسم باغچه دارد در پس آن تاب‌خانه» (ص ۱۷۸). گفتنی است که حیاط‌های بلند و باریک با گوشه‌های پخ شده در بیشتر شهرها میراثی از روزگار ایلخانان است؛ نک: ویلبر و گلمبک، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۴.

۷۲. «حجره کوچک بر بالای



شاید هر محله برای خود حمامی مستقل داشته است. از میان این حمام‌ها، تنها موقعیت «حمام بالا» تا حدی آشکار است. از متن وقف‌نامه چنین بر می‌آید که این حمام پایین‌تر از باغ رشیدآباد و بالاتر از ربض بوده است.<sup>۱۳۹</sup>

و. کاغذخانه: در متن وقف‌نامه چندین بار نام این فضا ذکر شده است، اما موقعیت آن در شهرستان رشیدی مشخص نیست. در طرح حاضر، کاغذخانه را در کنار گازرگاه و جامع شهرستان — که فضاهایی خدماتی‌اند — جای داده‌ایم.<sup>۱۴۰</sup>

ز. جوی هیرآباد: در جانب ایسر شهرستان بوده است.<sup>۱۴۱</sup> این رود از جانب شمال، از کوه‌های سرخاب سرازیر می‌شد و سپس به سمت تبریز، که در غرب شهرستان بود، می‌رفت.

ح. کریاس: در وقف‌نامه، جز یک مورد،<sup>۱۴۲</sup> از آن سخنی نرفته است و مفهوم آن مشخص نیست. با مراجعه به متون تاریخی<sup>۱۴۳</sup> و نیز نمونه «کریاس مدرسه چهارباغ اصفهان»<sup>۱۴۴</sup> درمی‌یابیم که احتمالاً فضای پیش ورودی «دهلیز» بوده است

د. گازرگاه (رختشوی‌خانه): این فضا در جانب ایسر شهرستان قرار داشته است.<sup>۱۴۵</sup> همه فاضلاب‌ها در نهایت به گازرگاه می‌رسید.<sup>۱۴۶</sup> در این طرح، موقعیت آن در غرب شهرستان و در پایین‌ترین نقطه در نظر گرفته شده است. گازرگاه نمونه‌ای است از بناهای عام‌المنفعه و رعایت نکات بهداشتی و نیز پوشش آن بسیار حائز اهمیت است.

نمونه دیگری بازمانده از این دوره، یعنی گازرگاه زنجان، بنایی طویل و کم‌عرض است که با طاق و تویزه پوشش یافته و فضاهای آن را با ستون‌هایی سنگی از هم جدا کرده‌اند. می‌توان تصور کرد نمونه‌ای که در تبریز و در «ربع رشیدی» وجود داشته، از بسیاری جهات شبیه این نمونه بوده است. از مهم‌ترین مسائلی که در این نمونه فضاهای شهری نمود می‌یافت، استفاده پهن از آب و صرفه‌جویی در مصرف آن و محل استقرار آنها در سازمان‌دهی شهری بود.

ه. حمام: شهرستان رشیدی دارای چندین حمام بوده است.



خانقاه، آنجا که شهنشاهی تاب‌خانه است و نام آن روزنه‌الهیات است» (ص ۱۹۶).

۷۳. «سقا خانقاه و مجاوران حجرها و مطبخ آن و مجاوران ساباط خانقاه و ممر آن تا درگاه روضه و درگاه مناره و سقاچه که در آن ممر است» (ص ۱۸۹).

۷۴. «شربخانه و مخزن ادویه با رواق المرتبین که مطبخ و گلاب‌خانه و مسکن بعضی عمله در آنجاست و سرای طبیب که آن نیز بدان متصل است» (ص ۴۲).

۷۵. «... برخی حجرها که بر بالای دارالشفاست» (ص ۴۳).

۷۶. آن چنان که در باب پنجم دیدیم، بیشتر بناهای این دوره چهارایوانی بوده است.

۷۷. «باید که آن طبیب قادر باشد بر درس طب گفتن و دو متعلم را همواره درس گوید بر رواق دارالشفا نزدیک شبکه از جانب جنوب و آن رواق معروف است به رواق المرتبین» (ص ۱۴۵). از دوره ایلخانان به جای دیوار سلسله‌ای از طاق‌ها به کار رفته است. این نوع طاق‌ها مانند آنچه در اطراف صحن مسجد دیده می‌شود، ممکن است باز یا اینکه چون طاق‌نماهای جبهه بنا بسته باشند. رواق‌های اطراف صحن مدارس و بناهای دیگری که شامل چندین حجره است بسته‌اند، اما در دیوار پشتی دری است که به این حجره‌ها، که غالباً دو طبقه‌اند، باز می‌شود؛ نک: ویلبر و گلمبک، همان، ص ۱۱۵.

۷۸. «طبیب بر در شبکه بنشیند و هر چیز که به کسی باید دادن بر کاغذی نویسد» (ص ۱۴۷). «هر کس کسی چیزی خواهد، به در شبکه آید

که منافاتی با طرح حاضر ندارد.

ط. انبارها: در شهرستان رشیدی انبارهای متعددی وجود داشته است؛<sup>۱۳۵</sup> اما از آنجا که در وقف‌نامه ذکری از آنها نیامده، در طرح فرضی مکان‌یابی نشده‌اند.

ی. ضراب‌خانه:<sup>۱۳۶</sup> در شهرستان رشیدی سکه ضرب می‌کرده‌اند و در مکاتیب رشیدی (مکتوب ۵۳) هم از ضراب‌خانه رشیدی سخن رفته است؛ اما در وقف‌نامه ذکر آنها نیامده و لذا در طرح فرضی به آنها پرداخته نشده است. «ت ۱۱ و ۱۳»

در پایان، ذکر توضیحی درباره باروی شهرستان رشیدی ضروری می‌نماید. علاوه بر توضیحات و جملات وقف‌نامه، در بررسی شهرهای این دوره همچون تبریز و سلطانیه و سبزوار، می‌توان نتیجه گرفت که شهرها در این روزگار بارو داشته‌اند. البته در بسیاری از این شهرها هدف از احداث بارو امور اقتصادی بوده است نه مسائل نظامی؛ چرا که ایلخانان در این زمان حکومتی قدرتمند و شکست‌ناپذیر تبدیل شده بودند. از متون تاریخی نیز — که پیش‌تر ذکرشان رفت — می‌توان دریافت که در این دوره بارو را برای نظارت بر تجارت و آمد و شد شهرها برپا می‌کرده‌اند. به احتمال بسیار، در ربع رشیدی نیز انگیزه احداث بارو همین مقاصد، به خصوص نظارت بر رفت و آمد کارگزاران و مهمانان، بوده است.

در منطقه کنونی ربع رشیدی آثاری از چند دیوار به جا مانده است. به باور ویلبر اینها همان دیوارهای اصلی بوده‌اند. اسکندریک منشی در تاریخ عالم‌آرای عباسی از ساخت دیوارها و برج‌هایی در دوره صفویان سخن می‌گوید. هوفمان محدوده «ربع» را در طرح خویش با دیوارهای به جا مانده امروزی مشخص کرده است. شیلا بلر نیز در طرحش چنین فرض کرده است که دیوارهای موجود مربوط به دوره صفویان را بر جای دیوارهای عهد ایلخانان استوار کرده‌اند. اما سعیدنیا نیز هم برای ربع و هم برای شهرستان بارو ترسیم کرده اما توضیحی نداده

که آیا باروهای فعلی منطقه را در طرحش در نظر گرفته است یا نه.

با مستندات وقف‌نامه شکی نیست که ربع و شهرستان دارای بارو بوده‌اند. در ربع نیز به سبب وجود خزانه‌ها و انبارها و دارالکتب و غیره، وجود بارو منطقی بود؛ اما با توجه به محدوده وسیع ربع رشیدی که توضیحش در وقف‌نامه آمده و گزارش‌های باستان‌شناسی نیز مؤید آن است، بقایای موجود را نمی‌توان متعلق به باروی شهرستان دانست. از طرفی دیگر، به سبب اثبات وجود بقایای بناهای عهد ایلخانان در عمق پایین‌تر از پنج متری زمین و اینکه نتایج گمانه‌زنی‌ها علاوه بر دوره ایلخانان و صفویان، به آثاری از دوره‌های دیگر، به ویژه زمان قاجاریه، دلالت می‌کند، در طرح فرضی، احتمال اینکه این بقایا متعلق به دوره ایلخانان باشد رد شده است.

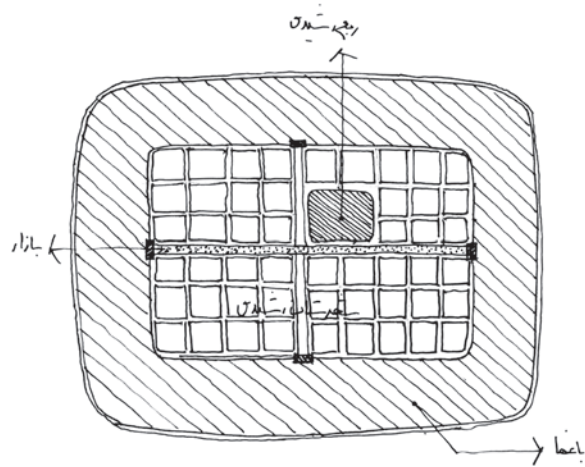
## نتیجه

با عنایت به پژوهش‌های انجام یافته در زمینه شهر ربع رشیدی، این طرح از روی سازمان شهرهای ایرانی - اسلامی، با برخی تفاوت‌ها و نوآوری‌های جدید، به دست آمده است. تا به امروز الگوی سازمان فضایی این شهر، همچون دیگر شهرهای ایرانی، ترکیبی از ربع و ربض و شهرستان، و نوآوری نهفته در آن، جابه‌جایی ربض و شهرستان در نظر گرفته شده است.<sup>۱۳۷</sup> با توجه به مطالعات نگارنده در زمینه شهرهای دوره ایلخانی و مهم‌تر از آن بر اساس توصیفات وقف‌نامه و تقسیم‌بندی کلی فضاهای مجموعه ربع رشیدی به دست خواجه رشیدالدین، سازمان فضایی شهر را به صورت تلفیقی از دو حالت زیر می‌توان ارائه کرد:

۱. «ربع» و «شهرستان»: با مطالعه دقیق وقف‌نامه در می‌یابیم که تمامی فضاها در دو مجموعه کلی «ربع» و «شهرستان» دسته‌بندی و توصیف شده است.<sup>۱۳۸</sup> ربض در سازمان فضایی ربع رشیدی جایگاه پیشین‌اش را نداشته و طبق متن وقف‌نامه، زیرمجموعه‌ای از شهرستان یا، به بیان بهتر،



ت ۱۴. سازمان فضایی ربع رشیدی، ترسیم نگارنده



بلکه در مجاورت آن - با عناصر روضه و خانقاه و دارالشفاء - حضور می‌یابد. «ت ۱۴»

در این شهر، به هسته مرکزی (ربع) بیشتر پرداخته‌اند و با وجود کاربری‌های مختلف، این کل منسجم به خوبی با شهرستان تلفیق شده است. باغ‌ها - رشیدآباد،<sup>۱۴۲</sup> اصلان،<sup>۱۴۳</sup> فتح‌آباد<sup>۱۴۴</sup> - نیز در اطراف شهر، در مقام عناصری مهم و شکل‌دهنده، حضوری مؤثر داشته‌اند.

به طور کلی می‌توان گفت «ربع رشیدی» شهری با حصار در پیرامون بود<sup>۱۴۵</sup> که با چهار دروازه به اطراف راه می‌یافت. «ربع» هسته مرکزی و اصلی شهر بود که در یکی از محورهای اصلی شهر و نزدیک محل تقاطع آنها بارو و مدخلی جداگانه<sup>۱۴۶</sup> و نیز کاربرد آموزشی و دینی و درمانی داشت. «ربع» انعکاسی کالبدی و ملموس از تفکری علمی - دینی بود.

«شهرستان» رشیدی از محله‌های گوناگون تشکیل شده و دارای عناصر مهم شهری بود؛ مانند: بازار، قیصریه، حمام‌ها، مساجد، کارخانه کاغذسازی، رنگ‌سازی، ضراب‌خانه، و گازرگاه. «ریض» نیز محله‌ای از محله‌های شهرستان بود. بافت شهر نظمی هندسی داشت و به شکل شطرنجی پیرامون دو محور اصلی طراحی شده بود. راه‌ها از منظر طراحی فضایی، در پیوندی

محله‌ای از محله‌های شهرستان بوده و متعلق به طبقه‌ای خاص نبوده است.<sup>۱۳۹</sup> همچنان که متولی و مشرف و ناظر در ریض ساکن بودند (ص ۱۷۵)، بسیاری از غلامان بخش‌های مختلف ربع و باغ‌ها هم در آن مسکن داشتند.<sup>۱۴۰</sup> ریض نه تنها در حومه شهر واقع نبود، بلکه نزدیک‌ترین محله به هسته مرکزی شهر - «ربع» - بود. در این شهر ریض و شهرستان با هم تلفیق شده‌اند. اصطلاحات «ریض بالا» و «ریض پایین» نیز که در وقف‌نامه آمده، صرفاً اشاره به دو محله است که به لحاظ ارتفاع یکی نسبت به دیگری در مکانی بلندتر واقع بوده است.

۲. محور بازار و «ممر بزرگ»: چنان که پیش‌تر آمد، ساختار این شهر از پیش طراحی شده و شطرنجی بوده است. از طرفی دیگر، اهمیت تجارت در دولت ایلخانان، سبب توجه بیشتر به دروازه‌ها، جهت قرارگیری، و حتی افزایش تعداد آنها در شهرها گشت. گفتنی است که تعداد دروازه‌ها در شهرهای ایلخانی دست کم چهار دروازه - نه صرفاً در جهت‌های اصلی، بلکه به سمت شهرهای مهم پیرامون و در راستای شکل‌گیری بازارهایی خطی - بوده است. در شهرهای شطرنجی، دروازه‌ها دو به دو - معمولاً به شکل عمود بر هم - به یکدیگر متصل شده و سبب ایجاد بافتی منظم و محورهای قوی و سازمان‌دهنده شهر می‌شدند. در ربع رشیدی نیز شاهد حضور دو محور «اصلی» - امتداد محور دروازه‌های روم - عراق، و محور دروازه‌های تبریز - مغان - هستیم. این محورها معیار استقرار سایر فضاهای شهری در پیرامون خود گشته‌اند و بازار نیز در امتداد یکی از این محورها، کل شهر را از دروازه‌های تا دروازه دیگر می‌پیماید.<sup>۱۴۱</sup>

هر چند بازار عنصری مهم در ربع رشیدی است، در سازمان فضایی شهر، چنان که شایسته است، به هسته مرکزی نرسیده است، بلکه در تعاملی قوی با شهرستان، در مقام کانون فعالیت‌های اجتماعی مطرح است. همچون گذشته، محل تقاطع این دو محور به منزله مکانی مهم در سازمان فضایی شهر مطرح می‌شود؛ با این تفاوت که «هسته شهر» نه در این مکان،

و بیرون به صفه‌ای که به در شبکه بسته بنشیند تا از شبکه بدو دهند و بازگردد» (ص ۱۸۲).

۷۹. «و شراب‌خانه و مخزن ادویه با رواق‌المرتبین که مطبخ و گلاب‌خانه و مسکن بعضی عمله در آنجا باشد» (ص ۴۲). «مرتبین» بیماران دائمی و به قاعده‌اند؛ بر خلاف بیماران اتفاقی.

۸۰. «ممر داروخانه تا درگاه اولین روضه که آن درگاه ایمن است» (ص ۱۸۹).

۸۱. «جهت دهلیز خانه متولی و رواق‌المرتبین یک قندیل» (ص ۱۶۷).

۸۲. «جهت ممر کوچه مشرف و رواق‌المرتبین یک چراغ» (ص ۱۶۹).

۸۳. «مسکن او در آن خانه باشد که در جنب دارالشفاست به جانب ایمن که آن معروف است به دارالطیب» (ص ۱۴۵).

۸۴. «مسکن ایشان در حجرهای پایین که بر پشت حوالی داروخانه است باشد» (ص ۱۴۶).

۸۵. «جهت دهلیز داروخانه یک قندیل» (ص ۱۶۷).

۸۶. «سرای مشرف و آن متصل است به دارالشفاء و یک جانب آن با کوچه سرای متولی و حد دیگر با کوچه‌ای که به روضه می‌رود» (ص ۴۳).

۸۷. «ممر کوچه مشرف و رواق‌المرتبین» (ص ۱۶۹).

۸۸. دو خانه تو در تو توصیف شده است.

۸۹. «و آن دو سرای است: در آن

یکی در آن دیگر بوده و هر دو معروف‌اند به دارالمتولی با مرافق تحتانی و فوقانی و زیرزمین که در آنجاست و خزانه نقود و اجناس در آنجا باشد» (ص ۱۷۵).

۹۰. «سرای متولی که متصل روضه است و در آن متصل است به درسر ربع رشیدی و آن سرای و حجره‌ای است متصل به هم و دارالکتب و مخزن هر دو آنجاست» (ص ۴۳).

۹۱. «دهلیز خانه متولی و رواق المرتبین» (ص ۱۶۷).

۹۲. «ممر کوچه دارالمتولی دو چراغ» (ص ۱۶۹).

۹۳. «جهت درسر که سرای متولی آنجاست و چاه خانه نیز آنجاست یک مشعل» (ص ۱۶۸).

۹۴. «سقا داروخانه و دارالطیب و مطبخ و شراب‌خانه و توابع آن و دارالمتولی و دارالمشرف و رواق المرتبین و ممر داروخانه تا درگاه اولین روضه که آن درگاه ایمن است» (ص ۱۸۹).

«سرایچای است که بر سر درگاه ایسر روضه است با مرافق آن و آشکوب زیرین نیز در حکم او باشد» (ص ۱۷۶). «سرای ناظر آن بر سردرگاه روضه است از جانب ایسر» (ص ۴۳). «[...] نان

[...] بیارند و در تابستان در موضعی که آنها را مفتوح‌الابواب می‌گویند و آن صحن درگاه مناره و دارالضیافه است و در زمستان در دهلیز روضه که بالای آن دهلیز مسکن ناظر که مانند نایب متولی است فرو گیرند» (ص ۱۶۰). «بوابان روضه یکی بر درگاه ایمن، یکی بر درگاه ایسر» (ص ۱۸۶). «آشکوب زیرین درگاه ایمن و ایسر» (ص ۱۸۷).

۹۵. گفتنی است که در این دوره مقابر

استوار با فضاهاى کالبدی مجاور بود و ماهیت فضایشان از این فضاها مستقل و جدا نبود. استقرار فضاها و فعالیت‌ها در شهر، تابع نظم و سلسله‌مراتبی سنجیده بود و تمامی فضاها به لحاظ کارکرد، غالباً کالبد مناسبی برای زندگی (بودن در محیط) فراهم می‌کرد.

## کتاب‌نامه

آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود. *نفایس الفنون فی عرایس العیون*، به تصحیح ابراهیم میانجی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۹.

آیتی، عبدالمحمد. *تحریر تاریخ و صاف*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.

ابن بزاز اردبیلی. *صفوة الصفا: در ترجمه احوال و اقوال و کرامات شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی*، مقدمه و تصحیح غلامرضا مجد، ۱۳۷۳.

\_\_\_\_\_ . *صفوة الصفا*، به کوشش احمد بن کریم تبریزی، بمبئی، ۱۹۱۱.

ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ج ۱ و ۲.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۳.

ابن طقطقی، محمد بن علی. *تاریخ فخری*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

اسکندریبیک منشی. *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۴، ج ۲.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. *مرآت البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶-۱۳۶۸.

اوحدی مراغه‌ای. *دیوان*، به کوشش سعید نفیسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۰.

بروشکی، محمدهدی. *بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.

بلر، شیلا. *هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی*، ترجمه هاشم گلپایگانی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.

بیهقی، ابولفضل. *تاریخ بیهقی*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، مهتاب، ۱۳۸۳، ج ۳.

پیرنیا، محمدکریم. *سبک‌شناسی معماری ایران*، تدوین غلام‌حسین معماریان، تهران، پژوهنده، ۱۳۸۲.

تاورنیه، ژان باتیست. *سفرنامه*، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۳.

ترابی طباطبایی، جمال. *تاریخ تبریز به روایت سکه و ضمیمه*، تبریز، مؤلف، ۱۳۸۳.

جوینی، عطاملک بن محمد. *تاریخ جهانگشا*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، مهتاب، ۱۳۷۱.

\_\_\_\_\_ . *تاریخ جهانگشا*، به سعی و اهتمام و تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران، فردوس، ۱۳۸۵.

جهاننگلو، امیرحسین. *تاریخ اجتماعی دوره مغول*، اصفهان، کتاب‌فروشی تأیید، ۱۳۳۶.

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله. *ذیل جامع التواریخ رشیدی*، به اهتمام خان‌بابا بیانی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱.

حافظ حسین کربلایی تبریزی. *روضات الجنان و جنات الجنان*، تصحیح جعفر سلطان‌القرایی، تهران، نشر کتاب، ۱۳۴۴ و ۱۳۴۹، ج ۱.

حبیبی، محسن. *از شمار تا شهر*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

حمدالله مستوفی قزوینی. *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

\_\_\_\_\_ . *نزهة القلوب*، به تصحیح و تحشیه محمد دبیرسیاقی، تهران، طه، ۱۳۷۸.

خواندمیر، غیاث‌الدین. *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابخانه خيام، ۱۳۳۳، ج ۳.

دانش‌پژوه، محمدتقی. *مقدمه سوانح الافکار رشیدی*، تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۸، ش ۲۸.

دبیرسیاقی، محمد. *مقدمه جامع التواریخ (تاریخ فرقه اسمعیلیان الموت)*، تهران، طهوری، ۱۳۳۷.

دلاواله، پیترو. *سفرنامه*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.

دولت‌شاه سمرقندی. *تذکره الشعرا*، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.

رجب‌زاده، هاشم. *خواجہ رشیدالدین فضل‌الله*، تهران، طرح نو، ۱۳۷۷.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی. *تاریخ مبارک غازانی (داستان غازان‌خان)*، به

مربع یا چندضلعی بوده است؛ نک: ویلبر و گلمیک، همان، ص ۱۳۱. ۹۶. «...» یکی مسجد صیفی که آن صفة صدر است [...]» (ص ۴۲). «مسجد صیفی که عبارت است از صفة صدر روضه، و این مسجد جامع نیز است، و منبر در محراب آن نهاده و نماز جماعت و اعیاد هم در این مسجد گزارند» (ص ۱۲۸). «و در صه برابر صفة بزرگ در تابستان معلم ایتم تعلیم ایشان کند» (ص ۱۹۳). ۹۷. «مسجد صیفی عبارت است از صفة صدر و این مسجد جامع نیز است» (ص ۱۲۸). «مسجد صیفی [...]» عبارت است از صفة صدر روضه و آن مسجد جامع تبریز است و شهرستان رشیدی و دیها که در حدود آن است» (ص ۳۹). ۹۸. «مسجد شتوی [...]» عبارت است از قبه که متصل مسجد صیفی است» (ص ۴۲). ۹۹. «[...]» قبه‌ای که در یسار داخل مسجد صیفی است (مسجد قبه)» (ص ۱۲۸). ۱۰۰. «[...]» امر دارالحفاظ که آن عبارت است از قبه و از موضعی که بر در شبکه قبه قبلی است و در بیان ملازمت حفاظ و مداومت ایشان به تلاوت قرآن مجید و شروطی که بدان تعلق دارد» (ص ۱۳۵). ۱۰۱. «در موضعی که شبکه قبلی قبه بر آن نهاده و خارج آن قبه بر در شبکه مذکور، صفة کوچک ساخته‌ایم» (ص ۱۶۴). ۱۰۲. «بالای این زیرزمین گنبد است که آن بیت‌الحفاظ گردانیده تا آن صفة کوچک که متصل گنبد است و پیش آن به شبکه چوبین برآورد»

گابریل، آلفونس. *مارکوپولو در ایران*، ترجمه پرویز رجبی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۵. گروسه، رنه. *امپراتوری صحرانوردان*، ترجمه و تحشیه عبدالحسین میکده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸. \_\_\_\_\_ . *تاریخ مغول (چنگیزخان)*، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، آزاد مهر، ۱۳۸۴. مرتضوی، منوچهر. *تبریز در روزگار خواجه رشیدالدین*، مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰. \_\_\_\_\_ . *مسائل عصر ایلخانیان*، تبریز، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۰. مورگان، دیوید. *مغول‌ها*، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۷۱. ویلبر، دونالد و لیزا گلمیک. *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۴. \_\_\_\_\_ . *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان*، ترجمه عبدالله فریار، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله. *معجم البلدان*، لایبزیک و بروکهاوس، فردیناند وستفلد، ۱۸۶۶-۱۸۷۳. اصیل، حجت‌الله. «آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی»، در: *مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ارگ بزم)*، تهران، رسانه پرداز، ۱۳۸۴، ج ۱: ص ۱۲۸-۱۳۶. افشار، ایرج. «تاریخ معماری در ایران بر اساس متون فارسی»، در: *رواق*، سال اول (پاییز ۱۳۷۷)، ص ۴۱-۴۷. امیدانی، سیدحسین. «ربع رشیدی، مجتمع بزرگ وقفی، علمی، و آموزشی در تبریز (قرن هشتم هجری/سیزدهم میلادی)»، در: *وقف*، میراث جاویدان، سال هفتم، ش ۳ (پاییز ۱۳۷۸)، ص ۵۰-۷۱. بلر، شیلا. «معماری و جامعه در دوره ایلخانیان: تحلیل وقف‌نامه ربع رشیدی»، ترجمه مهرداد قیومی، در: *گلستان هنر*، ش ۱۳ (پاییز ۱۳۸۷)، ص ۴۸-۷۳. جواد، حسن. «ایران از دید سیاحان اروپایی در دوره ایلخانان»، در: *بررسی‌های تاریخی*، سال هفتم، ش ۴ (آذر و دی ۱۳۵۱). سعیدنیا، احمد. «پژوهشی در ربع رشیدی»، در: *هنرهای زیبا*، ش ۷ (تابستان ۱۳۷۹)، ص ۴۹-۶۰. \_\_\_\_\_ . «بازآفرینی شهرستان رشیدی»، در: *هنرهای زیبا*، ش ۱۱

تصحیح و اهتمام کارل یان، اصفهان، پرسش، ۱۳۶۸. \_\_\_\_\_ . *تاریخ مبارک غازانی (داستان آباقاخان و سلطان احمد و ارغون‌خان و کیاخاتون، قسمتی از جامع التواریخ)*، به تصحیح کارل یان مونتون، انگلستان، مطبعة استفن اوستین، ۱۹۴۰. \_\_\_\_\_ . *مکاتبات رشیدی*، گردآوری محمد ابرقوهی، به اهتمام محمد شفیع، دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۹۴۵. \_\_\_\_\_ . *جامع التواریخ (تاریخ اغوز)*، تصحیح محمد روشن، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۴. \_\_\_\_\_ . *جامع التواریخ*، به سعی و اهتمام عبدالکریم علی‌اوغلی علی‌زاده، باکو، فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی، ۱۹۵۷. \_\_\_\_\_ . «وقف‌نامه ربع رشیدی»، چاپ عکسی، به اهتمام مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰. \_\_\_\_\_ . «وقف‌نامه ربع رشیدی»، چاپ حروفی، به اهتمام مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶. زین‌الدین بن حمدالله مستوفی. *ذیل تاریخ گزیده*، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۲. شاردن، ژان. *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۴، ج ۲. شهاب‌الدین عبدالله بن عزالدین فضل‌الله شیرازی (وصاف). *تاریخ وصاف یا وصاف الحضرة*، به اهتمام محمدمهدی اصفهانی، ۱۲۹۶ ش. شیعه، اسماعیل. *سازمان فضایی شهری و منطقه‌ای در ایران در دوران قبل و بعد از اسلام*، تهران، دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۷. طاهر، غلامرضا. *مقدمه لطایف الحقایق تصنیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی*، تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۷، ج ۲. کاشانی، ابوالقاسم. *تاریخ اولجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸. کریمی، بهمن. *مقدمه جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی (متن کامل تاریخ مبارک غازانی)*، تهران، اقبال، ۱۳۳۸، ج ۱. کلاویخو. *سفرنامه*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶. کیانی، محمدیوسف. *پایتخت‌های ایران*، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۴. \_\_\_\_\_ . *شهرهای ایران*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۱-۴.

(تابستان ۱۳۸۱)، ص ۲۹-۴۱.

فلامکی، محمدمنصور. «مرتبت آرمانی ربع رشیدی»، در: کنگره طرح احیای ربع رشیدی و فرهنگ و تمدن ایران عصر ایلخانی، تبریز، ستوده، ۱۳۸۴.

Hofman, Brigitt. *Wagf im Mongolischen Iran*, Rasiduddins Sorge nm Nachruhm und Seelenhide, Von. Frand Steiner Verlag Stuttgart. 2000.

(ص ۴۱).

۱۰۳. «بر در آن شبکه مذکور که آن برابر محراب مسجد جامع است» (ص ۱۳۵).

۱۰۴. «همچنان مشتمل است بر دارالمصاحف و کتب‌الحدیث و آن در جوار مسجد شتوی است» (ص ۴۲).

۱۰۵. «جهت کوچه و در دارالمصاحف که از روضه بدان راه به جانب سقاییه می‌روند، یک چراغ» (ص ۱۶۹).

۱۰۶. «این بیت‌التعلیم خانه‌ای است در روضه که بزرگ‌ترین خانه‌های روضه است و مسکن معلم مجرد در آنجا باشد» (ص ۱۳۵).

۱۰۷. «و به زمستان حجره بزرگ که در آشکوب زیرین است، در حوالی صفا بزرگ و طول آن ده گز و عرض آن هفت گز است» (ص ۱۹۴).

۱۰۸. «زیرزمین در جنب گنبد در آن برابر حمام است» (ص ۱۹۴).

۱۰۹. «سرایستان در پشت گنبد مسجد که داخل روضه است» (ص ۴۳).

۱۱۰. «امر دارالحفاظ که آن عبارت است از قبه و از موضعی که بر در شبکه قبه قبلی است» (ص ۱۳۵).

۱۱۱. «[...] و ممر ایمن و وسطانی به هم می‌رسند، آغاز کرده به طرف دروازه روم شهرستان ممری بریده شده معروف به ممر سرخاب» (ص ۲۰۶).

ادامه پانوشتها در ستون متن، سمت چپ

### – ادامه پانوشتها

۱۱۲. «و جهت حمامات شهرستان که در آن محلات باشد و جهت جامع شهرستان و سقاییه‌های آن و حوض که بر در دروازه تبریز از دروازه‌های شهرستان نهاده، جهت هر یک آن مقدار که مناسب باشد و استادان مهندس صواب دانند مقدر گردانند [...] فضله‌های آن چون از شهرستان بیرون رود اگر به تره‌زار گازرگاه توان بردن ببرند» (ص ۲۱۱). «آبده آن نزدیک قیصریه شهرستان رشیدی مقدار پانصد گز باشد تا حدود حمام رشیدی و خشک‌وای آن هم در اندرون شهرستان بریده شده تا آنجا که دروازه تبریز و مسجد شهرستان است» (ص ۲۰۶).

۱۱۳. «آبده آن در داخل شهرستان به جنب دیوار باغ اصلان می‌رود تا دروازه موغان و از آنجا تا دو راه کوه سرخاب می‌توان بریدن» (ص ۲۰۷).

۱۱۴. «قنواتی که از جانب یمین رودخانه تبریز می‌آیند، در ممری که موسوم است به ممر ایمن که آن از بالای باغچه نی‌کس جاری شده بر راه جاده کندرو و تا نزدیک در باغ فتح‌آباد و دروازه عراقی و از آنجا هم بر جاده می‌آید تا پول سنگین که به قرب خانقاه جان‌دار است. و از آنجا تا کاروان‌سرای خاصه که مشهور است به قبر تو و از آنجا به مصلی تبریز که در شش‌گیلان است و از آنجا راه به راه می‌رود تا رودخانه به نزدیک دروازه ری و آنجا در زیر رودخانه گذرانیده در جنب سدی و نقبی که جهت این رودخانه ساخته‌ایم می‌گذرد و در جنب دروازه ری که مشهور است به دروازه نو در شهر می‌رود» (ص ۲۰۴). دروازه ری، دروازه جدید تبریز در دوره ایلخانی است که در سایر متون هم با نام دروازه تبریز آمده است.

۱۱۵. «و این محله صالحیه محله‌ای است از محلات شهرستان رشیدی که

به ربع رشیدی نزدیک است و یک در کوچه آن در ممر بزرگ ربع رشیدی است که بر بالا می‌روند و یک در دیگر به جانب بازار که به راه دروازه سرخاب می‌روند» (ص ۱۷۲).

۱۱۶. «دهلیز بزرگ که آن را ممر بزرگ می‌گویند و از بازار که می‌گذرند بر آنجا به بالا می‌رسد تا به دروازه ربع رشیدی می‌رسد و متصل است به دروازه مذکور...». «دهلیز بزرگ که آن را ممر بزرگ می‌گویند» (ص ۴۳).

۱۱۷. «کهریز به حدود مصلی شهرستان که آبده شعبه‌های آن در زمینی است معروف به پهلوان سعید که آن داخل شهرستان شده و منبع آن در باغ رشیدآباد است» (ص ۲۰۶).

۱۱۸. «کهریز که معروف است به کهریز کاروان‌سرای رشیدی فتح‌آباد و هم در این ممر که بالای کاروان‌سرای است، صد گز خشک‌وای بریده شده تا به آبده رسیده شده و از آنجا در نفس فتح‌آباد بریده شده به طرف ده سنجده» (ص ۲۰۵). «قنواتی که از جانب یمین رودخانه تبریز می‌آیند، در ممری که موسوم است به ممر ایمن که آن از بالای باغچه نی‌کس جاری شده بر راه جاده کندرو و تا نزدیک در باغ فتح‌آباد و دروازه عراقی و از آنجا هم بر جاده می‌آید تا پول سنگین که به قرب خانقاه جان‌دار است» (ص ۲۰۴).

۱۱۹. «[...] ممر بزرگ [...] و از بازار که می‌گذرند بر آنجا به بالا می‌رسند تا به دروازه ربع رشیدی می‌رسد و متصل است به دروازه مذکور» (ص ۴۳).

۱۲۰. «که در تابستان همواره آب رشیدآباد مذکور به ممر خانقاه بر پشته ریض مذکور آرند و آنجا که آسیای اولین است، اگر قوت آسیا گردانیدن داشته باشد، لاشک آسیا نیز به تابستان در کار باشد و به جوی بازرگردد و تمامت زمین‌ها باغ رشیدآباد که در زیر آن جوی افتد، حقایبه آن از آن جوی



مقرر کرده که آب گرم از این کهریز [...] به باغ فردوس برند [...] و از آنجا بیرون آمده در جوی که معروف است به جوی هیرآباد به شهرستان رود و در محلات جانب ایسر آنچه از آن خواهند به خانی‌ها و حمامات و مسجد و دیگر مواضع برند، و آنچه نخواهند در ممر آب سبیل شهر تبریز اندازند تا به شهر می‌رود» (ص ۲۱۳).

۱۳۲. «مقسم سوم هم به لوله رشیدی مذکور چهار لوله این مقسم به حدود کریاس ربع رشیدی در زیر آسیابها نهاده و آب آن جهت خانی‌ها و چشمه‌های محلات است که در زیر آن افتاده» (ص ۲۱۱).

۱۳۳. «سلطان الجایتو از برای مدفن خود در اندرون عمارتی ساخته است و آن را ابواب‌البر نام نهاده و [...] در حوالی آن متصل سرا، از هر یک پنجره دری به صحن سرای بزرگ گشوده و صحن آن را از سنگ مرمر فرش انداخته و دیوان‌خانه بزرگ که دوهزار آدمی در آن گنجد و آن را کریاسی نام کرده‌اند و غیر اینها که ذکر کرده شد، پادشاه و امرا عمارت بسیار در اندرون قلعه کرده‌اند؛ نک: حافظ ابرو، ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، به اهتمام خان‌بابا بیانی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱، ص ۶۹

۱۳۴. معماریان، ص ۳۳۲.  
۱۳۵. «باید که انبارها که این گندم مذکور در آن ریزند چنان سازند که به مواضع مختلف باشد و اکثر در شهرستان رشیدی و بعضی در ربع رشیدی باشد [...] و انبار آن نیز باید که در آشکوب زیر و جوانب نمناک نباشد و جانبی باشد که خنک بود» (ص ۱۶۳).

۱۳۶. ضراب‌خانه به محلی می‌گفته‌اند که در آنجا سکه‌های رایج زمان را ضرب می‌کرده‌اند. به نقل از ترابی طباطبایی، تبریز عصر ایلیخانان چهار ضراب‌خانه داشت که عبارت بودند از: تبریز،

آن افتاده و جهت حمامات شهرستان که در آن محلات باشد و جهت جامع شهرستان و سقاییه‌های آن و حوض که بر در دروازه تبریز از دروازه‌های شهرستان نهاده» (ص ۲۱۱).  
۱۲۶. «و مطبخی دیگر در بازار شهرستان رشیدی تا جهت مسکینان بی‌سر و سامان آن جایگاه طبخ کنند و همان جایگاه آش دهند در دارالساکنین» (ص ۱۳۹).

۱۲۷. «آنچه حقایق محلات جانب ایسر شهرستان است، مقدر به لوله رشیدی مذکور نه لوله و این نه لوله مذکور موزع است بر خانی‌ها و چشمه‌ها و سقاییه‌های مواضع محلات این جانب ایسر به گازرگاه که هم در این جانب است و مقسم است به سه تقسیم» (ص ۲۱۱).

۱۲۸. «[...] مقسم اول آنچه به روضه می‌رود به لوله مذکور دو لوله و از آنجا حقایق حمام بالا و در خانی که در روضه رشیدی است بدهند و باقی به محله صالحیه به خانی‌ها برند که در آن محلت وزیر اشترخان و حوالی آن ساخته و می‌سازند و فضلا این آب‌ها به تمام گازرگاه برند» (ص ۲۱۱).

۱۲۹. «مقسم اول آنچه به روضه می‌رود به لوله مذکور دو لوله و از آنجا حقایق حمام بالا و در خانی که در روضه ربع رشیدی است بدهند و باقی به محله صالحیه به خانی‌ها برند که در آن محلت و زیر اشترخان و حوالی آن ساخته شده و می‌سازند و فضلا این آب‌ها به تمام به گازرگاه برند» (ص ۲۱۱).

۱۳۰. «آنچه به جهت ساکنان شهر تبریز به محلات بیرونی شرقی و محلات اندرونی آن و حمامات آنجا وقف مسبل کرده‌ام، با حقایق حمام رشیدی شهرستان و کاغذخانه و حمام رشیدی که در محله شش‌گیلان است» (ص ۲۰۴).

۱۳۱. «و در زمستان چون گفته‌ایم و

است نهاده شده، ضرورت است که همواره در چهار فصل سال اکثر آب این ممر که مشهور است به ممر رشیدآباد زیرین بر روضه جاری باشد. و چون در تابستان باغ به آب محتاج باشد، آنچه از این مقاسم زیادت آید و حقایق باغ است، مقرر کرده‌ام» (ص ۲۱۳).

۱۲۳. «آنچه حقایق محلات جانب ایمن شهرستان و قیصریه است، به لوله رشیدی مذکور شش لوله. این شش لوله مذکور از مقسمی که بر بالای دنیاآباد نهاده آورده‌ایم و مقسمی دیگر نهاده، از آن جمله دو لوله به لوله مذکور جهت محلت لطیف‌آباد افزای کرده شده و چهار لوله جهت محلات که در زیر آن افتاده و قیصریه مقرر است. و شرط آن است که این دو لوله جهت محله لطیف‌آباد معین شده به هشت‌خانی برند که در آن محله ساخته شده [...] این هشت‌خانی مذکور یک لوله به مقدار اصبعی برگیرند و به حوض دروازه موغان از دروازه‌های شهرستان برند» (ص ۲۱۰).

۱۲۴. «مقسم دوم، به لوله مذکور سه لوله این مقسم در حدود موضعی نهاده که آب کهریزهای رشیدآباد مذکور [...] کرده بر روضه ربع رشیدی رفته و این سه لوله جهت حقایق محلات عزآباد است که آن بر زمین‌های پهلوان سعید زیر پشته‌های سرخاب نهاده شد» (ص ۲۱۱).

۱۲۵. «کهریز مشهور به کهریز نزهه. آمده آن نزدیک قیصریه شهرستان رشیدی مقدار پانصد گز باشد تا حدود حمام رشیدی و خشک‌کوی آن هم در اندرون شهرستان بریده شده تا آنجا که دروازه تبریز و مسجد شهرستان است» (ص ۲۰۶). «مقسم سوم هم به لوله رشیدی مذکور چهار لوله این مقسم به حدود کریاس ربع رشیدی در زیر آسیابها نهاده و آب آن جهت خانی‌ها و چشمه‌های محلات است که در زیر

باشد و از بالاتر و از هیچ جای دیگر که از این ممر زیرین آب برتوان گرفت، حقایق این زمین‌ها که در تحت آن باشد ندهند تا همیشه آب بر پشته و روضه جاری باشد» (ص ۲۱۳).

۱۲۱. «آنچه حقایق محلات جانب ایسر شهرستان است مقدر به لوله رشیدی نه لوله. و این نه لوله مذکور موزع است بر خانی‌ها و چشمه‌ها و سقاییه‌های مواضع محلات این جانب ایسر به گازرگاه که هم در این جانب است و مقسم است به سه تقسیم بدین تفصیل: مقسم اول آنچه به روضه می‌رود به لوله مذکور دو لوله و از آنجا حقایق حمام بالا و در خانی که در روضه رشیدی است بدهند و باقی به محله صالحیه به خانی‌ها برند که در آن محلت وزیر اشترخان و حوالی آن ساخته و می‌سازند و فضلا این آب‌ها به تمام گازرگاه برند» (ص ۲۱۱).

۱۲۲. «مقسم دوم، به لوله مذکور سه لوله این مقسم در حدود موضعی نهاده که آب کهریزهای رشیدآباد مذکور [...] کرده بر روضه ربع رشیدی رفته و این سه لوله جهت حقایق محلات عزآباد است که آن بر زمین‌های پهلوان سعید زیر پشته‌های سرخاب نهاده شد. و شرط آن است که چون حقایق خانی‌ها و چشمه‌های این محلت عزآباد مذکور تا آنجا که دروازه روم است، تمام بدهند و از جانبی که به دروازه روم نزدیک لوله باشد، قدر یک لوله به مقدار اصبعی برگیرند و به حوض سنگین برند که در آن دروازه داخل بارو نهاده. و بعد از آن تمامت فضلاهای این سه لوله آب را جمع کنند و با آبی که ترشح می‌کند از شعب‌های جانب بادام استان تا آنجا که گنبد کوچک است، تمامت به گازرگاه برند تا آب گازرگاه بسیار باشد» (ص ۲۱۱). «چون این هر سه مقسم که شرح داده شد یکی بر روضه ربع رشیدی و یکی بر طرف شرقی آن و یکی بر طرف غربی آن چنانچ بدن نزدیک

کرده و آن مجموع را ربع رشیدی نام نهاده‌ایم» (ص ۴۱).

شده بر راه جاده کندرو تا نزدیک در باغ فتح‌آباد و دروازه عراق و از آنجا هم بر جاده می‌آید تا پول سنگین که به قرب خانقاه جان‌دار است» (ص ۲۰۴).

۱۴۲. «محلّه صالحیه محله‌ای است از محلات شهرستان رشیدی که به ربع رشیدی نزدیک است و یک در کوچه آن در ممر بزرگ ربع رشیدی است که بر بالا می‌روند و یک در دیگر به جانب بازار که به راه دروازه سرخاب می‌روند» (ص ۱۷۲) و «دهلیز بزرگ که آن را ممر بزرگ می‌گوییم و از بازار که می‌گذرند، بر آنجا به بالا می‌رسد تا به دروازه ربع رشیدی می‌رسد و متصل است به دروازه مذکور» (ص ۴۳).

۱۴۳. نک: باب سوم، قسم دوم، فصل شانزدهم وقف‌نامه و مکتوب ۵۱ و ۵۳ از مکاتبت رشیدی.

۱۴۴. در صفحات متعدد وقف‌نامه از باغ فتح‌آباد یاد شده است؛ مثلاً، نک: ص ۲۰۴ و ۲۰۵.

۱۴۵. «و شرط آن است که چون حقایق خانی‌ها و چشمه‌های این محلت عز‌آباد مذکور تا آنجا که دروازه روم است، تمام بدهند و از جانبی که به دروازه روم نزدیک لوله باشد، قدر یک لوله به مقدار اصبعی بگیرند و به حوضی سنگین برند که در آن دروازه داخل بارو نهاده. و بعد از آن تمامت فضله‌های این سه لوله آب را جمع کنند و با آبی که ترشح می‌کند، از شعب‌های جانب بادام استان تا آنجا که گنبد کوچک است، تمامت به گازرگاه برند تا آب گازرگاه بسیار باشد» (ص ۲۱۱).

۱۴۶. «[...] که این ربع رشیدی عبارت از دو موضع است که یکی پیش‌تر بنیاد رفته بود و باروی آن کشیده و آن را درگاهی ساخته که منارها متصل آن درگاه است و یکی دیگر پس‌تر بارو کشیده و اضافه آن بارو اولین کرده و متصل آن گردانیده و دروازه دیگر بیرون آن ساخته و همه به هم یکی

بوسعیده، شهرستان رشیدی، قیصریه. به جز ضراب‌خانه تبریز، سه نمونه دیگر در شهرستان رشیدی بوده است؛ نک: جمال ترابی طباطبایی، تاریخ تبریز به روایت سکه و ضمیمه، تبریز، مؤلف، ۱۳۸۳، ص ۴۲.

۱۳۷. نک: احمد سعیدنیا، پژوهشی در ربع رشیدی»، در: هنرهای زیبا، ش ۷ (۱۳۷۹)، ص ۴۹-۶۰.

۱۳۸. نک: فصل چهاردهم از قسم دوم از باب سوم. «و شرط کرده‌ام که هیچ‌یک را عورات و عیال در ربع رشیدی نباشد و مجرد در آنجا ساکن باشند و از آن جمله آنک متأهل باشد، اهل و عیال ایشان البته در شهرستان رشیدی مقیم و ساکن باشند، جهت خودخانه‌ها بسازند یا به اجرت گیرند» (ص ۱۷۰).

۱۳۹. در وقف‌نامه در تقسیم‌بندی محلات شهرستان رشیدی از محله صالحیه به سبب اهمیت و نزدیکی به ربع جداگانه، و از محله‌های دیگر با عنوان سایر محلات یاد شده و از رض نیز در میان همین سایر محلات سخن رفته است (ص ۱۷۲).

۱۴۰. «غلامان ترک [...] مسکن ایشان بعضی در ربض بالا و بعضی در ربض زیر» (ص ۱۹۲).

۱۴۱. «ممر ایسر [...] به طرف دروازه روم شهرستان ممری بریده شده معروف به ممر سرخاب [...]» (ص ۲۰۶).

«کهریز مشهور به کهریز نزه [...] خشک‌کوی آن هم در اندرون شهرستان بریده شده تا آنجا که دروازه تبریز و مسجد شهرستان است» (ص ۲۰۶).

«کهریز مشهور به کهریز علاءالدین ایضا، آیده آن در داخل شهرستان به جنب دیوار باغ اصلان می‌رود تا دروازه موغان» (ص ۲۰۷). «قنواتی که از جانب یمن رودخانه تبریز می‌آید، در ممری که موسوم است به ممر ایمن که آن از بالای باغچه نی‌کس جاری